

مژده ای شیعیان

طلوع

نزدیک است

الحمد لله رب العالمین

مؤلف: سالم جعفری

«مژدهای شیعیان طلوع

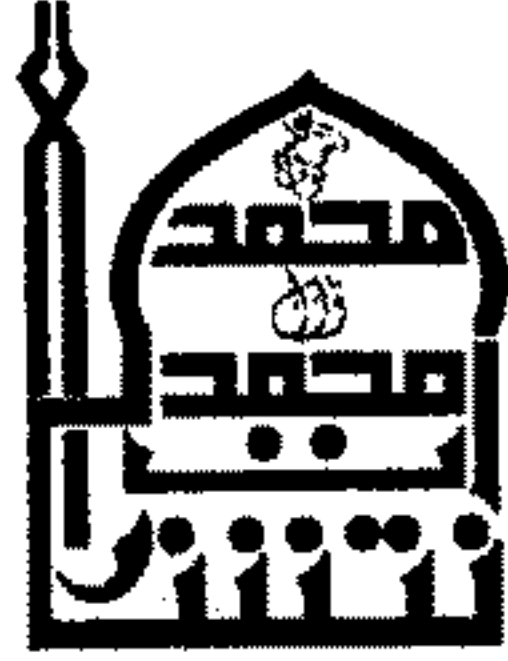
نزدیک است»

(اخبار، قضایا و اطلاعاتی شگفت‌انگیز

از ظهور امام زمان علیه السلام)

مؤلف:

سالم جعفری



انتشارات محمد و آل محمد صلوات الله عليهم

قم: دور شهر، کوچه شماره ۱۸، کوچه شهید تسخیری، پلاک ۳۲

تلفن: ۰۹۱۱۲۵۳۳۸۶۷-۷۷۳۵۶۹۴

شیراز: ۰۹۱۳۷۱۳۶۵۱۷

گناوه: ۰۷۷۲۳۲-۲۲۲۵۱

نام کتاب: مژده شیعیان طلوع نزدیک است
مؤلف: سالم جعفری
ناشر: انتشارات محمد و آل محمد (ص)
نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۳۸۱
چاپ: محمد
حروفچینی: لیتوگرافی کوثر
تیراژ: ۵۰۰۰ جلد
قیمت: ۶۵۰ تومان

ISBN: 964-8059-00-4

شابک: ۹۶۴-۸۰۵۹-۰۰-۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به پیشگاه مقدس و با عظمت آخرین ذخیره الهی، امید عاشقان
و عارفان حضرت بقیة الله الاعظم روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه
الفداه .

و همچنین تقدیم به محضر نائب الامام المهدي عليه السلام

سلاله پاک زهراى مرضيه (س) حضرت آيت الله العظمى سيد على
خامنه‌اى (دام عزه العالى).

خدایا در پناه الطاف بی کرانت سایه این سید بزرگوار را تا ظهور مهدی
فاطمه عليها السلام بر سر ما مستدام دار.

فهرست مطالب

۹	مقدمه:.....
۱۷	فرمایشات مقام معظم رهبری:.....
۱۷	با این انقلاب یک قدم به ظهور نزدیکتر شده ایم.....
۲۰	امام زمان <small>علیه السلام</small> فرمودند: ظهور نزدیک است.....
۲۳	خدایا وعده هایی را که به من داده ای تحقق ببخش.....
۲۵	شکایت اوضاع زمان به امام صادق <small>علیه السلام</small> و بشارت حضرتش.....
۲۵	به ظهور امام عصر (عج).....
۲۹	امام زمان فرمودند: ایام ظهور من ظاهر خواهد شد.....
۳۲	سؤال از پیامبر عظیم الشأن در مورد ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small>
۳۷	انشاءالله امر نزدیک است.....
۴۲	اگر این گونه بود... خداوند فرج مرا می رساند.....
۴۶	خوشا بحال بعضی از شما که تا زمان ظهور زنده اید.....
۵۱	منتظران ظهور در جزیره خضراء.....
۵۶	امام خمینی <small>رحمه الله</small> سه بار فرمودند: دعا کنید ظهور نزدیک است.....
۵۹	آقا فرمودند: شاه سرنگون می شود و فرج نزدیک است.....
۶۷	امام زمان <small>علیه السلام</small> فرمودند که علائم ظهور انجام شده.....

- ۷۰ (امام زمان فرمودند: می آیم انشاءالله)
- ۷۹ (احتمال ظهور حضرت می رود)
- ۸۱ (اکثر اصحاب ۳۱۳ نفر تکمیل شده اند)
- ۸۳ این هشت نفر تا زمان ظهور زنده اند
- ۸۶ ظهور کمی به تأخیر افتاده است
- ۸۹ آقا فرمودند: به مادرم فاطمه (س) قسم
- ۹۳ به مردم بگویند ظهور خیلی نزدیک است
- ۹۴ زمان ظهور بر کسی معلوم نیست
- ۹۷ آقای پدوسکا (مبلغ مسیحیت از آمریکا)
- ۹۹ حرکتی که باعث تعجیل در امر فرج شد
- ۱۰۲ امام خامنه‌ای (دام عزه العالی) فرمودند
- ۱۰۵ وقت ظهور محققاً نزدیک است
- ۱۰۷ اگر اینگونه باشیم، ظهور ده سال جلو می افتد
- ۱۰۹ پروفیسور ساشادینا اسلام شناس معروف اروپا
- ۱۱۱ چکار کنیم که ظهور از این هم نزدیکتر شود
- ۱۱۳ شما خوب می شوید و ظهور نزدیک است
- ۱۱۶ نظرات استاد عظیم الشأن علامه سید حسن ابطحی
- ۱۱۹ توضیحاتی دیگری از علامه ابطحی (دام عزه) در این مورد
- ۱۲۱ نظرات آیت الله العظمی مکارم شیرازی «مدظله العالی»

- ۱۲۳ تابش شعاعی کوچک از نور حضرت بقية الله عليه السلام بر مساجد تهران
- ۱۲۴ مساجد تهران بزرگ
- ۱۲۴ مساجد شهرهای حومه تهران
- ۱۲۴ کرج، شهریار و ساوجبلاغ
- ۱۲۵ اسلامشهر، شهر قدس و رباط کریم
- ۱۲۵ ورامین، قرچک، پیشوا، دماوند، رودهن و بومهن
- ۱۲۵ جمع بندی کل:
- ۱۲۶ درخششی دیگر از نور حضرت بقية الله (عج)
- ۱۲۷ سید حسنی را در حال نماز در مسجد گوهر شاد دیده‌اند
- ۱۲۸ و اما قضیه مذکور (سید حسنی)
- ۱۳۰ فرستادن عده‌ای به ایران توسط یهود برای ترور سید حسنی
- ۱۳۱ آیه الله بهلول سفیانی را در سوریه دیده است
- ۱۳۴ اخبار کاهنان از خروج سفیانی و ظهور حضرت مهدی
- ۱۳۶ دیدن سفیانی در سوریه توسط آیه الله بهلول
- ۱۳۷ دیدار و صحبت کردن بهلول با سفیانی
- ۱۳۸ فرد دیگری غیر سفیانی نیز در سوریه است
- ۱۳۹ اخبار منابع مسیحیها بر حکومت آسمانی بعد از سال ۲۰۰۰ میلادی
- ۱۳۹ قراردادن دوربینهای مخفی در بیت المقدس
- ۱۳۹ پیدایش قوم یاجوج و ماجوج از قبل از علائم ظهور

- شیوع بیماری‌های بواسیر، سکنه و جذام از علائم ظهور ۱۴۱
- پرتاب شهاب سنگها با مسئله ظهور ارتباط تنگاتنگی دارد ۱۴۱
- آسمان ایران در شعبان ۱۴۲۳ هـ ق شهاب باران شد ۱۴۱
- نهضت امام خمینی علیه السلام یکی دیگر از علائم ظهور است ۱۴۳
- چهار حادثه قبل از ظهور که سه تای آن به وقوع پیوسته ۱۴۴
- طراحی یک سیستم ویرسی توسط یهودی‌ها ۱۴۵
- بسیاری از علامات که راجع به ظهور است تاکنون واقع شده است ۱۴۶
- تغییر جنسیت از علائم ظهور ۱۴۷
- ستاره دنباله دار ۱۴۸
- بمباران‌های هوایی از علائم آخرالزمان ۱۴۸
- دوازدهمین نفری که به جزیره حضراء راه یابد ۱۵۰
- رهبری مقام معظم رهبری از علائم قبل از ظهور امام زمان علیه السلام ۱۵۱
- علائم آخرالزمان که به وقوع پیوسته ۱۵۲
- تهران زلزله می‌آید و ظهور نزدیک است ۱۵۶
- و اما سخن آخر: ۱۵۸

مقدمه:

الحمد لله رب العالمين والعاقبة لاهل التقوى واليقين،
الصلوة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين حبيب اله العالمين
ابى القاسم محمد صلى الله عليه و آله المعصومين، الذين اذهب
الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا، سيما، ناموس الدهر و ولى
الامر روى و ارواح العالمين له الفداء.

درود و سلام و تحيت و بركات حضرت سبحان بر
برگزیده ترین مخلوقش حضرت محمد ﷺ و اهلبیت طاهر و
معصومش و سلام و درود و سلامتی بر آفتاب تابان و فروزان
ولایت و امامت، و صاحب عصر و زمان، حضرت بقية الله اعظم
روحى و ارواح العالمين له الفداء)

کتابی که در پیش روی شماست (مژده‌ای شیعیان ظهور نزدیک است) شامل داستانها و مطالبی است که اثبات می‌کند ما به زمان ظهور امام عزیزمان نزدیک شده‌ایم و همانطور که سلاله پاک زهراى اطهر (س) حضرت آیت الله العظمی الامام خامنه‌ای (دام عزه العالی) فرموده‌اند که ما به زمان ظهور محبوب حقیقی انسانها نزدیک شده‌ایم...^(۱) بنده حقیر نیز بر آن شدم تا پیروی این فرمایش مقام معظم رهبری تحقیقی در این زمینه انجام داده و به عاشقان و کام عطشان مهدی فاطمه (س) تقدیم نمایم اما قبل از آن که شروع به بیان مطالب و قضایایی در این زمینه بکنیم بر خود لازم دیدم که مسائلی را روشن نمایم ما در این کتاب سعی کرده‌ایم دلایل روشن و کاملی در مورد مطالب خود ارائه دهیم و مسئله دیگر اینکه شاید عده‌ای از خوانندگان عزیز بانگاه اول

بگویند که فلانی گفته ظهور نزدیک است پس مرتد است! لازم است در این مورد توضیحاتی را خدمتتان عرض نمایم تا خدای نکرده سوء تفاهمی در این بین پیش نیاید.

همانطور که می دانید در روایات متعدده آمده که کسی که برای ظهور وقت تعیین نماید دروغگو است مضمون این حدیث که می گوید کذب الوقانون^(۱) کسانی که وقت تعیین می کنند دروغگو هستند و برآستی هم چنین است و کسانی که وقت و زمان را برای ظهور امام زمان تعیین کنند مثلا بگویند فلان روز یا فلان سال مطمئنا دروغگو و از دشمنان آن وجود مقدس هستند ولی این دلیل بر آن نشد که ما بگوییم چونکه هر کس وقت ظهور را تعیین کند دروغگو است بنابر این هر کس که بگوید ظهور نزدیک است ولو با دلیل و مدرک باشد و نیز شامل این حدیث است، بلکه

۱- بحارالانوار ج ۵۳ ص ۱۸۱.

بر عکس هر کس موعود و زمان ظهور را دور بیندازد نیز دشمن خدا و اهل بیت علیهم‌السلام محسوب می‌شود در این باب حضرت امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند دشمنان ما ظهور را دور می‌پندارند ولی ما آن را نزدیک می‌بینیم.

ظهور نزدیک است نزدیک‌تر از آنچه که فکرش را بکنیم بطوری که رئیس مذهب حضرت صادق آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در جایی دیگر فرموده‌اند در آن هنگام (زمان غیبت امام زمان علیه‌السلام) بایستی بندگان خدا هر صبح و عصر انتظار وقوع فرج را داشته باشند و در حدیثی دیگر آقا امام هادی علیه‌السلام شیعیان را دعوت می‌کند به آنکه چشم براه ظهور امام عصر علیه‌السلام باشیم.

براستی چه پیامی روشنتر و گویاتر از این.

ایشان اینگونه فرموده‌اند که: هر گاه امام زمانتان زندگی

غائبانه را شروع کرد چشم براه ظهورش باشید. (۱)

پس ما اگر بگوییم ظهور نزدیک است (البته با دلیل و مدرکهای از قبیل فرمایش خود حضرت در این زمینه، به وقع پیوستن نشانه‌ها و علامات قبل از ظهور و...) سخنی به گزاف نگفته‌ایم بلکه طبق دستور آقا امام صادق علیه السلام نیز عمل کرده‌ایم که تاکید بر این داشته‌اند که همانا ظهور را نزدیک بدانید. بنابراین باید بگوییم ظهور امام عصر (ارواحنا فداه) بسیار به ما نزدیک است کافیت آنرا چون تشنه‌ای طلب کنیم و به تبلیغات سوء و منفی شیطان توجه ننماییم زیرا ظهور امام زمان یعنی پایان عمر شیطان همانگونه که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در تفسیر آیه ۳۸ سوره حجر می‌فرمایند: وقتی که نزد همه برای پایان زندگی

شیطان معلوم است روز ظهور قائم ما اهل بیت علیهم السلام است. (۱)

پس بنا بر این شیطان تمام فعالیت خود را می‌کند تا زنده بماند
 شخص خبیثی را در نظر بگیرید که هنگامی که موعد مرگش فرا
 می‌رسد و یا مطمئن می‌شود که اگر چنین شود عمرش به پایان
 می‌رسد، تصور کنید برای زنده ماندن حاضر است چه کارها که
 بکند تا کمی بیشتر عمر کند و زنده بماند و حال این شیطان که
 خباثت و پستی جزئی از ذات اوست ببینید وقتی به او خبر دهند
 که در روز ظهور قائم آل محمد علیهم السلام عمرت به پایان می‌رسد، چه
 کارها که نمی‌کند، از یک طرف آن وجود مقدس و مهربان را
 خونریز معرفی می‌کند، از طرف دیگر در ذهن می‌پروراند که حال
 کجا و ظهور امام زمان علیه السلام کجا، از طرفی هر کس را که نام آن
 وجود مقدس را به زبان آورد یا برای ایشان تبلیغ کند را در اذهان

مردم متهم به انواع و اقسام تهمتها می کند تا مگر چند روزی به زندگی خفت بار و سراسر ننگین خود ادامه دهد. پس اگر ما به زمزمه ما و وسوسه های شیطان گوش فراندهیم و با اشتیاق و از ته دل از درگاه خداوند ظهور حجتش را بخواهیم همانا که دعایی ما مستجاب خواهد شد پس اگر چنین باشیم برآستی که ظهور نزدیک است. انشاءالله

در اینجا فرصت را مغتنم شمرده از تمام عزیزانی که این جانب را در جمع آوری این مجموعه یاری فرموده اند و مورد لطف و عنایت خویش قرار داده اند سپاسگذاری می نمایم. مخصوصاً از استاد گرانقدر و عزیز حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای شیخ علی میرخلف زاده (دام عزه) و مساعدتهای برادرانه دوست عزیزم محمد رضا جعفری ابنوی و

نیز از کلیه نویسندگانی که از حاصل زحماتشان در تألیف این کتاب استفاده شده کمال تشکر و قدردانی را می‌نمایم و در پایان از کلیه خوانندگان محترم التماس دعا دارم. به امید دیدار جمال تابناکش و درک ظهور و فرجش و ملازمت رکابش. انشاءالله.

سالم جعفری

بندرگناوه

۸۱/۱۰/۱۱

فرمایشات مقام معظم رهبری:

با این انقلاب یک قدم به ظهور نزدیکتر شده‌ایم.

قبل از شروع مطالب و داستانهای کتاب بر آن شدم که شروع آن را مزین کنم به سخنان دُربار نایب الامام مهدی (روحی له الفداء) حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (حفظ الله):...

ولی عصر صلوات الله علیه میراث بر همه پیامبران الهی است که می‌آید و گام آخر را در ایجاد جامعه الهی بر می‌دارد مقداری درباره اوصاف آن جامعه می‌گویم. البته اگر شما دقت کنید همه خصوصیات آن جامعه به دست می‌آید. همین دعای ندبه‌ای که در روزهای جمعه انشاءالله موفق باشید که بخوانید و می‌خوانید خصوصیات آن جامع در آن ذکر شده است آنجایی که

می‌گویند: این معز الاولیاء اولیای خدا در آن عزیزند و دشمنان خدا در آن ذلیل و خوار هستند یعنی معیارها و ارزشها در آن جامعه چنین است. آن جامعه، جامعه‌ای است که حدود الهی در آن اجرا می‌شود یعنی همه حد و مرزهایی که خدا معین کرده است در جامعه امام زمان علیه السلام است وقتی که ظهور می‌کند جامعه‌ای می‌سازد که به طور خلاصه چند خصوصیت دارد و شما با خواندن آیات و ادعیه، با توجه به آنها ذهن خود را در این مورد بازتر و بازتر کنید. خصوصیت جامعه ایده آلی که امام زمان علیه السلام آن را می‌سازد بالا رفتن سطح اندیشه انسان است و هم اندیشه اسلامی انسان.

یعنی دوران حضرت ولی عصر (عج) شما باید نشانی از جهل و بیسوادی و فقر فطری و فرهنگی در عالم پیدا نکنید. آنجا مردم می‌توانند این را بدرستی بشناسند و این همچنانکه همه

می‌دانند یکی از هدفهای بزرگ پیامبران بود.

ما ملت ایران حالا انقلابی کرده‌ایم انقلاب ما در راه آن هدفی که امام زمان علیه السلام برای تأمین آن هدف مبعوث می‌شود و ظاهر می‌شود مقدمه لازم و یک گام بزرگ بود. ما اگر این گام بزرگ را بر نمی‌داشتیم یقیناً ظهور ولی عصر (عج) ما به عقب می‌افتاد. باید بدانیم که ظهور حضرت ولی عصر (عج) همانطوریکه با این انقلاب ما یک قدم نزدیکتر شد با همین انقلاب می‌تواند چند قدم هم نزدیکتر بشود، یعنی همین مردمی که انقلاب کردند باز هم یک قدم و یک قدم دیگر و یک قدم دیگر خود را به امام زمانشان نزدیکتر کنند (۱)

داستان اول

(امام زمان علیه السلام فرمودند: ظهور نزدیک است)

یکی از تجار اصفهان که مورد وثوق است جریان زیر را برای مؤلف محترم کتاب پرنور ملاقات با امام زمان علیه السلام حضرت آیت الله استاد سید حسن ابطحی خراسانی (دام عزه) نقل نموده است:

من در منزل اطاق بزرگی را به عنوان حسینیه اختصاص داده‌ام و اکثر در آنجا روضه خوانی می‌کنم. شبی در خواب دیدم که من از منزل خارج شده‌ام و به طرف بازار می‌روم، ولی جمعی از علماء اصفهان به طرف منزل ما می‌آیند وقتی به من رسیدند

گفتند فلانی کجا می روی؟ مگر نمی دانی منزلت روضه است. گفتم نه منزل ما روضه نیست. گفتند چرا منزلت روضه است و ما هم به آنجا می رویم و حضرت بقیه الله هم آنجا تشریف دارند من فوراً با عجله خواستم به طرف منزل بدوم به من گفتند: با ادب وارد منزل شو، من مؤدبانه وارد شدم دیدم جمعی از علماء در حسینیه نشسته و در صدر مجلس هم حضرت ولی عصر علیه السلام نشسته اند. وقتی به قیافه آن حضرت دقیق شدم دیدم مثل آنکه ایشان در جائی دیده ام. لذا از آن حضرت سؤال کردم که آقا من شما را کجا دیده ام فرمود: همین امسال در مکه در آن نیمه شب در مسجد الحرام وقتی آمدی نزد لباسهایت را پیش من گذاشتی و من به تو گفتم مفاتیح را زیر لباسهایت بگذار. تاجر اصفهانی می گفت همین طور بود یک شب در مکه خواب از سرم پریده بود با خود گفتم چه بهتر که به مسجد الحرام مشرف شوم و در آنجا

بیتوته کنم و مشغول عبادت بشوم، وارد مسجدالحرام شدم به اطراف نگاه می‌کردم که کسی را پیدا کنم لباسهایم را نزد او بگذارم و بروم وضو بگیرم، دیدم آقائی در گوشه‌ای نشسته‌اند خدمتش مشرف شدم و لباسهایم را نزد او گذاشتم. می‌خواستم مفاتیح را روی لباسهایم بگذارم فرمود: مفاتیح را زیر لباسهایت بگذار.

به هر حال در خواب از آقا سؤال کردم فرج شما کی خواهد بود؟ فرمود: نزدیک است به شیعیان ما بگویند دعای ندبه را روزهای جمعه بخوانند^(۱) آری به راستی که ظهورش نزدیک و تحقق وعده الهی به انجام خواهد پذیرفت پس چه خوب است و چه نیکوست که ما هم در این امر الهی سهیم باشیم و برای فرجش دعا کنیم تا در دنیا و آخرت سربلند و سرفراز باشیم و قلب شکسته مادرش زهرا(س) را التیام بخشیم. «انشاءالله»

داستان دوم

(خدایا وعده هایی را که به من داده ای تحقق ببخش)

مؤلف محترم کتاب ارزشمند دیدار با امام زمان علیه السلام در مکه و مدینه این قضیه را به نقل از کتاب وسائل الشیعه آورده است ایشان چنین نقل می کنند که از محمد بن عثمان رضی الله عنه (که نائب دوم حضرت بوده است) سؤال شد که تو حضرت صاحب الامر (عج) را دیده ای؟ گفت بلی، و دیدن آخر من در بیت الله الحرام بود در حالیکه می فرمود اللهم انجز لی ما وعدتني (پروردگارا وعده هایی را که به من داده ای تحقق ببخش)

و همچنین محمد بن عثمان در روایت دیگر می‌گوید:

آن حضرت را دیدم که پرده خانه کعبه را در مستجار گرفته و

می‌فرمودند: الله انتقم بی من اعدائک (اعدائی)

پروردگارا! بوسیله من از دشمنانت (دشمنان) انتقام بگیر^(۱)

داستان سوم

شکایت اوضاع زمان به امام صادق علیه السلام و بشارت حضرتش

به ظهور امام عصر (عج)

مؤلف محترم و بزرگوار کتاب ارزشمند شیفتگان حضرت
مهدی علیه السلام جناب حجة الاسلام والمسلمین حاج آقای قاضی
زاهدی گلپایگانی از قول یکی از موثقین چنین نقل می کند که:
شخصی از اهالی شهر ارومیه در خواب می بیند که دسته
دسته از طلاب در حال سینه زدن به صحن مطهر حضرت فاطمه
معصومه علیه السلام وارد می شوند و این مرد ارومیه ای از دیدن این منظره

خیلی متعجب می‌شود و به حالت بیهوشی می‌افتد کم‌کم حالش بهتر شده و به هوش می‌آید. و چون با خود قرار گذاشته بود که هر شب چهارشنبه به مسجد شریف جمکران برود آن شب مردد می‌شود که آیا با حالت خستگی و ضعف پیری و این وقت از شب به مسجد برود یا نه؟ تصمیم می‌گیرد که به مسجد برود و با سختی و صعوبت و با اینکه مقدار زیادی از شب گذشته خود را به مسجد جمکران می‌رساند و به محض رسیدن از شدت خستگی خوابش می‌برد در عالم رؤیا متوجه می‌شد که چهار نفر از علمای نجف اشرف در آنجا حاضرند:

۱- عالم بزرگوار حاج شیخ محمد حسین ممقانی (ره)

۲- علام بزرگوار آقای شیخ...

۳- عالم بزرگوار آقای شیخ علی یزدی (ره) که از علمای

جلیل قدر بود

۴- عالم بزرگوار آقای سید کاظم یزدی (ره)

سپس متوجه می شود که نزد عالم بزرگوار سید کاظم یزدی (ره) نامه های بسیاری ریخته شده و سید یکی از آن نامه ها را به مرد ارومیه ای می دهد و می فرماید: این برات برای توست بگیر.

نامه را می گیرد و عرض می کند یکی هم برای برادرم مرحمت کنید. سید می فرماید: این برات از حضرت صادق علیه السلام است و مال حوزه قم است برادر شما حواله اش مربوط به حضرت سیدالشهداء است و بعد می فرماید با ادب بنشین و پشت سر خود را نگاه کن، تا نگاه می کند متوجه می شود که امام صادق علیه السلام نشسته اند، بعد از عرض ادب به ساحت امام صادق علیه السلام به آن بزرگوار شکایت از اوضاع زمان و ضعف اسلام و مسلمین و طولانی شدن دوران غیبت می کند امام صادق در جواب

می‌فرماید:

آیا دوست ندارید که از اهل این آیه (و مصادیق آن) باشید (و
نرید آن نم‌ن علی الذین استعصفوا فی الارض و نجعلهم ائمةً و
نجعلهم الوارثین تا آخر آیه که ما كانوا یحذرون می‌باشد.

بدیهی است که این آیه از آیات مربوط به صاحب الامر علیه السلام (۱)

می‌باشد.

۱- شیفتگان حضرت مهدی ج ۳ ص ۴۴ به نقل از زندگی نامه آیت الله اراکی (ره) ص ۵۰۹

داستان چهارم

(امام زمان فرمودند: ایام ظهور من ظاهر خواهد شد)

در کتاب شریف بحارالانوار به نقل از غیبت شیخ از علی بن ابراهیم فدکی چنین نقل می‌کند که اودی (ره) می‌گوید:

مشغول طواف خانه کعبه بودم، طواف ششم را تمام و قصد طواف هفتم کرده بودم ناگهان دیدم در طرف راست کعبه عده‌ای حلقه زده‌اند و جوان خوش صورت و خوشبو و با هیبتی که در عین حال خود را به مردم نزدیک می‌کند و سخن می‌گوید آنجاست، من زیباتر از کلام او و شیرین‌تر از منطق او در خوش

برخوردی ندیدم، جلو رفتم تا با او سخن بگویم مردم مرا منع کردند، از یکی از آنان سؤال کردم این شخص کیست؟ گفت فرزند رسول الله ﷺ است که هر سال یک روز برای خواص دوستان خود ظاهر می‌شود و با آنها گفتگو می‌کند و آنان با او گفتگو می‌کنند. گفتم ای آقای من ارشاد می‌خواهم مرا ارشاد کن، خداوند ترا هدایت کند. مقداری سنگریزه به من دادبر گشتم. بعضی از همنشینانش به من گفتند فرزند رسول الله ﷺ چه چیز به تو داد گفتم: سنگریزه بعد کف دستم را گشودم دیدم مشتی از طلا است رفتم دیدم خود را به من رسانید فرمود: حجت بر تو ثابت شد و حق برای تو عیان گردید و کوری از تو رفت آیا مرا می‌شناسی؟ گفتم به خدانه فرمود من مهدی هستم، من قائم زمانم، منم کسیکه زمین دایر از عدل می‌کنم همانطوری که پر از ظلم شده، روی زمین از حجت خالی نمی‌شود و مردم بیش از حیرت

بنی اسرائیل در انقطاع نمی مانند ایام خروج من ظاهر خواهد شد.
اینکه برای تو گفتم در گردن تو امانت است پس آنرا برای هر کدام
از برادران دینی که اهل حق باشند نقل کن.

آری آرزوی ماست آن گاه که ندای انالمهدی این عزیز
بزرگوار را بر فراز خانه خدا بشنویم همان ندایی که یکهزار صد و
چند سال است که آقا منتظر رساندن آن به گوش مردم جهانیان
است ما اگر به یاری حضرتش بشتابیم و برای فرج و ظهورش دعا
کنیم همانا که این آرزو تحقق می یابد و صدای دلنوازش را
خواهیم شنید به امید رسیدن آن روز همگی دست به درگاه قادر
متعال برداشته می گوئیم (اللهم عجل لولیک الفرج)

داستان پنجم

(سؤال از پیامبر عظیم الشان در مورد ظهور امام زمان علیه السلام)

جناب آقای قاضی زاهدی گلپایگانی مؤلف محترم کتاب
ارزشمند شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام چنین می فرمایند که:
در کتابخانه دانشمند معظم و فاضل ارجمند دانی مکرم
آقای شیخ محمد قاضی زاهدی کتابی را به نام گفتار بزرگان دیدم
این کتاب تألیف حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج
شیخ حسین کاشانی ساکن تهران می باشد هر چند حجم کوچکی
دارد لکن مطالب ارزشمندی را دارا است از جمله در اواخر کتاب

بخش مشاهدات مؤلف است که بسیار جالب و خواندنی است و چون اینجانب مؤلف را سالها قبل دیده‌ام و اخلاصش را به اهل بیت علیهم‌السلام می‌دانم و منبر دلنشین او را استماع نموده‌ام و از شاگردان مخلص امام صادق علیه‌السلام و از سربازان ارزشمند امام عصر (ارواحنا فداه) یافته‌ام به نقل مشاهداتش می‌پردازم (که البته دو عنایت نقل شده ولی بنده بنا به مناسبت با کتاب یکی از قضایا را ذکر می‌کنم)

جناب آقای حاج شیخ حسین کاشانی در آخر کتاب خود در باب مشاهداتش چنین می‌گوید که: در زمان تحصیل در اصفهان در مدرسه عربها که پشت مسجد جامع میدان نقش جهان واقع است، اشتغال به تحصیل کتب فقه و اصول داشتم و به اندازه‌ای سرگرم تحصیل بودم که در ایام عید نوروز که اجباراً دروس تعطیل بود و هر کس به موطن خود سفر می‌کرد ناراحت

بودم که چند روزی درس تعطیل می‌شود.

غالباً برای اینکه حضرت رسول اکرم ﷺ را در خواب زیارت کنم اعمالی را که در کتاب مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عباس قمی نوشته است را انجام می‌دادم ولی توفیق حاصل نمی‌شد. اما دیگر من عادت کرده بودم و اعمال مخصوص دیدن آن حضرت را انجام می‌دادم تا این که یک شب در عالم خواب مشاهده کردم که حضرت رسول ﷺ در بالای حجره مقابل درب نشسته‌اند و من در مقابل آن حضرت قرار دارم گفتم: السلام علیک یا رسول الله السلام علیک یا نبی الله.

حضرت طوری تبسم کردند و لبخند زدند که دندانهای مبارک آن حضرت مشاهده شد و با دست مبارک خود اشاره فرمودند که در طرف راست آن حضرت بنشینم.

اما با خود گفتم در مقابل رسول خدا ﷺ باید ایستاده باشم

ولی بدون اینکه حرکتی داشته باشم ملاحظه کردم که در همان مکان که حضرت فرموده است نشسته‌ام. با خود گفتم وقت را مغتنم بدارم و سؤالی از آن حضرت بنمایم در خاطر من مجسم شد که سؤال کنم آیا امام زمان علیه السلام به زودی ظاهر می‌شود یا نه؟

و در فکر بودم که زمان ظهور آن بزرگوار حتی برای خود امام عصر علیه السلام معلوم نیست، در هر صورت سؤال را طرح کردم زیرا هیچ مطلبی در خاطر من نبود که سؤال کنم.

حضرت فرمودند بطیثی نیست یعنی خیلی طول نخواهد کشید و ظهور آن حضرت نزدیک است. بعد از خواب بیدار شدم و برخواستم در حالی که بوی بسیار خوشی در حجره به مشام می‌رسد. فردای آن روز پس از درس مرحوم حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی در مدرسه جده کیفیت خواب خود را با ایشان در میان گذاشتم آقای نجف آبادی بسیار خوشحال شد و دعا کرد

و گفت خوشا به حال شما که مورد توجه صاحب شریعت هستید و به مقامات عالیه خواهید رسید و از شما استفاده خواهد شد و مرا بوسید. (۱)

پیامبر عظیم الشان اسلام چه وعده مسرت بخشی داده‌اند ظهور مولا یمان نزدیک است. به پایان عمر نکبت بار شیطان و شیطان صفتان چیزی نمانده. دیگر چیزی نمانده تا مردم اولیای حقیقی را بشناسند.

ای زمین خود را برای پاک شدن از لوٹ ستمکاران و ستمگران و شیطان صفتان پست آماده کن.

ای زمین خود را برای فرمانروایی، فرمانروای حقیقی آماده

کن

داستان ششم

(انشاءالله امر نزدیک است)

در غیبت شیخ از محمد بن احمد بن خلف نقل می‌کند که
گفت: در مسجد منزل عباسیه واقع در دو منزل شهر فسطاط مصر
فرود آمدیم غلامانم هر کدام دنبال کاری رفتند و فقط غلامی
عجمی با من در مسجد ماند. دیدم پیرمردی در گوشه مسجد
نشسته و پی در پی ذکر می‌گوید، چون ظهر شد در اول وقت نماز
ظهر بجا آوردم، سپس غذا طلبیدم و پیرمرد را هم دعوت نمودم
که با من غذا صرف کند او پذیرفت.

پس از صرف نهار نام او و پدرش و شهر و کارش را جویا شدم، گفتم: نامم محمد بن عبیدالله است و از اهل قم می‌باشم و اضافه کرد که مدت سی سال است که در جستجوی حق شهرها و سواحل را گشته و سیاحت نموده است بیست سال در مکه و مدینه اقامت گزیده و همواره اخبار ظهور حق را سراغ می‌گرفتم و در پی آثار آن بودم. چون سال ۲۹۳ فرارسید خانه خدا را طواف نمودم و به طرف مقام ابراهیم علیه السلام رفتم و نماز بجا آوردم و در همانجا بخواب رفتم در عالم خواب صدای دعائی که تا آن موقع نظیر آن را نشنیده بودم مرا از خواب بیدار نمود، چون در صاحب صدا دقیق شدم دیدم جوانی گندمگون است که کسی را در حسن صورت و اعتدال قامت چون وی ندیده‌ام جوان مزبور بعد از دعا نماز خوانده و از مسجد خارج شد و به عمل سعی بین صفا و مروه مشغول گشت. من پشت سر او مشغول سعی شدم و خداوند

عزوجل در دلم انداخت که او حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه است چون از عمل سعی فارغ شد به طرف دره‌ای رفت منهم به دنبال او رفتم وقتی به او نزدیک شدم دیدم مرد سیاهپوستی جلو راه را گرفته و با صدای مهیبی که هول انگیزتر از آن را نشنیده بودم مرا بنام صدا زد و پرسید خدا تو را سلامت بدارد چه می خواهی؟ من لرزیدم و در جای خود ایستادم و آن مرد از نظرم ناپدید گشت و همانجا متحیر ماندم.

مدتی طولانی در آنجا مات و مبهوت ایستادم سپس مراجعت کردم در حالیکه خود را ملامت می نمودم و می گفتم چرا به بانگ مرد سیاهپوست برگشتم آنگاه در خلوت بدرگاه خداوند بی نیاز به راز و نیاز پرداخته، پیغمبر و آل او را شفیع قرار دادم که کوشش من ضایع نشود و چیزی که موجب آرامش دل و ازدیاد بصیرتم شود، برای من ظاهر گرداند.

دو سال بعد از آن به زیارت قبر مطهر پیغمبر صلی الله علیه و آله توفیق یافتم. موقعی که بین قبر و منبر نشسته بودم به خواب رفتم. در خواب دیدم کسی من را تکان می‌دهد از خواب پریدم دیدم همان مرد سیاهپوست است! یحیی پرسید چه خبر داری؟ و حالت چطور است؟ گفتم خدا را شکر می‌کنم و تو را نکوهش می‌نمایم گفت نه نکوهش مک که من مأمور بودم آنطور به تو بانگ بزنم و به تحقیق تو خیر زیادی را درک نمودی خوش به حالت و از آنچه درک نمودی و مشاهده کردی خدا را بسیار شکر کن.

سپس پرسید: فلانی چه کرد؟ آن‌گاه بعضی از برادران ایمانی مرا نام برد و از احوال آنها جو یا شد. گفتم آنها در برقه^(۱) هستند. گفت راست گفתי بعد نام یکی از دوستان مرا که در عبادت جهد بلیغی داشت و در امر دیانت بصیر بود پرسید، جواب دادم که وی

در شهر اسکندریه است. سپس جمعی دیگر از برادران دینی مرا نام برد.
 سپس از شخصی ناشناس سخن گفت و پرسید نقفور چه کرد؟
 گفتم: او را نمی شناسم گفت البته او را نمی شناسی او مردی رومی
 است خدا او را هدایت می کند و از قسطنطیه فاتح بیرون می آید
 آنگاه مرد دیگری که او را هم نمی شناختم نام برد و گفت او مردی
 از اهل هیت^(۱) و از یاران مولایم امام زمان علیه السلام است. برگرد پیش
 رفقای و به آنها بگو: امیدوارم خداوند اجازه یاری مستضعفان و
 انتقام از ستمگران را بدهد. من جمعی از شیعیان دیگری را
 ملاقات کردم و از آنجا لازم بود به آنها رسانیدم و اینکه به سوی
 تو برگشته و به تو نیز ابلاغ می کنم که خود را به مشقت نیاندازی و
 موجب ناراحتی خود نشوی و اوقات خویش را در عبارت
 خداوند مصروف داری و بدانکه انشاءالله امر نزدیک است.^(۲)

۱- شهری در غرب نهر فرات.

۲- بحارج ۵۲ ص ۵۲- مهدی موعود ص ۷۲.

داستان هفتم

(اگر این گونه بود... خداوند فرج مرا می‌رساند)

جناب استاد گرانقدر و عزیز حضرت حجة الاسلام
والمسلمین حاج آقای نعمتی (دام عزه) در کتاب پرنور و سراسر
سوز و گدار در اوج تنهایی این قضیه سوزناک را از قول یکی از
موثقین آورده است این چنین می‌گویند که: دوست عزیزمان که
مکاشفه خود را در تاریخ ۱۳۷۹/۳/۸ هجری شمسی دیده است
چنین نقل می‌کند:

ساعت حدود ۵ بعد از ظهر در حالت خواب و بیداری

(مکاشفه) حضرت بقية الله ارواحنا فداه را زیارت کردم. آن حضرت خیلی ناراحت بوده و بسیار اشک می ریختند عرض کردم آقا جان ای سرورم چرا این قدر گریه می کنید؟

فرمودند: شیعیان مرا نمی خواهند

عرض کردم آقا جان قربانتان بروم اکثر مردم شما را می خواهند و دوستتان دارند و همیشه دعا می کنند و فرج شما را از خداوند متعال مسألت می نمایند.

فرمودند: «از صد تا، یکی از آنها از ته قلب برای فرج من دعا می کنند، آن حضرت در ادامه فرمودند:

اگر فقط شیعیان ایران یک بار انقلاب می کردند برای ظهور من خداوند ظهور و فرج مرا می رساند.

آری گِلّه آن حضرت از ما شیعیان همین است که چرا به طور یکپارچه و فراگیر آن حضرت را نمی خواهیم.

اگر کسی مایل نبود کلام آن حضرت را که در مکاشفه فوق نقل شده را بشنود و گوشش برای شنیدن حرف حق باز نیست نامه رسمی امام عصر ارواحنا فداه به شیخ مفید (ره) را که نمی‌تواند انکار کند و حجت آنرا منکر شود که این نامه را بطور مکرر در کتابهایمان یادآوری نموده‌ایم^(۱) که می‌فرمایند: ولو ان اشیاعنا و فقههم الله لطاعته علی اجتماع من القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم لما تأخر عنهم الیمن بلقائنا و لتعجلت لهم السعادة بشماهدتنا علی حق المعرفة - منهم بنا - اگر شیعیان ما... که خداوند موفقشان بدارد به اطاعت از خود... یکپارچه و یکدل شده به عهد خویش با ما (که ما را یاری نمایند) و فامی‌کردند هرگز میمنت ملاقات ما از آنها به تأخیر نمی‌افتاد و یقیناً و با عجله و سرعت به سعادت دیدار ما نائل می‌شدند، دیداری بر

اساس معرفت حقیقی از سوی آنان به ما...

آیا مکاشفه فوق چیزی جز مضمون همین نامه معتبر است که

آن حضرت به شیخ مفید ارسال فرموده‌اند؟^(۱)

داستان هشتم

(خوشا بحال بعضی از شما که تا زمان ظهور زنده‌اید)

جناب استاد گرانقدر سلاله پاک زهرا(س) علامه عظیم الشان استاد سید حسین ابطحی (دام عزه العالی) در کتاب سودمند پرواز روح، در خصوص حالات معنوی مرحوم ملا آقا جان(ره) و دوستانش چنین نقل می‌کنند که:

روز بیست و هشتم ذیحجه از ابهر که یکی از شهرستانهای اطراف زنجان است تلفنی شده بود و آقای حاج آقا از مرحوم ملا آقا جان برای منبر دهه اول محرم در حسینه‌اش دعوت

می کرد.

حاج ملا آقا جان فرمودند: من میهمانی دارم، اگر او حاضر شده بیاید من هم می آیم من به ایشان گفتم: برای من ابهر و زنجان فرقی نمی کند هر کجا تو با منی من خوشحالم حاج ملا آقا جان دعوت را قبول کرد و فردای آن روز که روز ۲۹ ذیحجه بود با قطار به ابهر رفتیم. حاج آقای ابهری مرد عجیبی بود، پاک و با صفا اهل محبت و ولایت به اهل بیت علیهم السلام عشق می ورزید: تقلب و دروغ در قاموس زندگیش وجود نداشت، او نمی توانست بپذیرد که مثلاً یک روحانی مثل من ممکن است چند ماه بر او بگذرد و خدمت امام زمان علیه السلام نرسد.

حسینیه‌ای ساخته بود که او واقعاً عطر حسینی استشمام می شد. یک روز تنها در آن حسینیه نشسته بودم دیدم بی جهت حال گریه عجیبی به من دست داده، مقداری بر مظلومیت

سیدالشهداء علیه السلام اشک ریختم و از آنجا بیرون آمدم.

حاج آقا به من برخورد کرد و گفت: نتوانستی خود را کنترل

کنی؟ گفتم نه این حسینه عجیبی است. گفت چرا نباشد؟ می‌دانی

این حسینه را من چگونه ساختم؟ چند نفر عمه و بنای با حال

را از تهران و زنجان پیدا کردم و یک روزه خوان با اخلاص را هم

دعوت نمودم هر وقت آنها می‌خواستند این حسینه را بسازند

باید قبلاً روزه‌ای می‌خواندند با چشمهای اشک آلود شروع به

کار می‌کردند و این برنامه ادامه داشت تا حسینه تمام شد. حاج

آقا مردی بود که ارواح را می‌دید و باور نمی‌کرد که مثل من که یک

روحانی هستم نبینم.

یک روز صبح با آنکه سر شب رفته و خوابیده بود، دیدم

چرت می‌زند. به او گفتم چرا کسلی؟ دیشب دو رکعت نماز برای

پدرم که از دنیا رفته بود خواندم ارواح سایر اقوامم به من مراجعه

می کردند و می گفتند: برای هر یک از ما هم دو رکعت نماز بخوان
و من نمی توانستم آنها را رد کنم تا سحر مشغول خواندن نماز
بودم و خوابم کم شد. این مطالب را به قدری از روی صفا می گفت
که انسان احتمال نمی داد در وجود این مرد کوچکترین حيله‌ای
باشد.

یک روز با حاج ملا آقا جان و حاج آقا به قبرستان ابهر رفتیم،
حاج آقا ما را سر قبر اقوام و دوستانش می برد، به نزدیک قبری
رسیدیم حاج ملا آقا جان اشاره به قبری کرد و گفت: شیخ رضا
ست او تبسمی هم زیر لب داشت مثل اینکه با آشنایی که مدت‌ها از
او دور بوده برخورد کرده‌اند)

حاج آقا گفت بله شیخ رضا است که می گفت: امور معنوی
یعنی چه و ما را مسخره می کرد. حاج ملا آقا جان گفت می شنوی
حالا چه می گوید؟ می گوید: من اشتباه کرده بودم حرف شما

صحیح است و خوشا به حال بعضی از شما که تا زمان ظهور زنده
اید (۱)

البته در مورد این قضیه باید این توضیح را هم داد که در اینجا
تعیین وقت نشده و هیچ اشاره‌ای به زمان و وقت ظهور یا فرد یا
افرادی که مورد خطاب بوده‌اند نشده است پس تعیین وقت
محسوب نمی‌شود.

داستان نهم

(منتظران ظهور در جزیره خضراء)

شیخ زین الدین علی بن فاضل مازندرانی در روز پانزدهم ماه شوال در سال ۶۹۹ بعد از تعریف اتفاقاتی را که برایش رخ داده و چگونگی راه یابی اش به جزیره خضراء^(۱)، مشاهدات خود را از آن مکان چنین بیان می‌کند:

جمعه دوم که وسط ماه بود از نماز فارغ شدیم. سید (یکی از فرزندان امام زمان علیه السلام) بر منبر نشست که تا برای مؤمنان پسند و

۱- به کتاب نجم الثاقب مراجعه شود.

نصیحت نماید. ناگهان صدای هرج و مرج و غوغای عظیمی از خارج مسجد به گوشم رسید و از سید درباره آن سؤال کردیم فرمود: اینها فرماندهان لشکر ما هستند که هر جمعه وسط ماه آماده می‌شوند و منتظر فرج هستند. من اجازه گرفتم که بیرون بروم و آنها را ببینم، پس به من اجازه داد من بیرون آمدم و به ایشان نگاه می‌کردم دیدم که آنها جماعت زیادی هستند و همه در حال تسبیح و تمجید و تهلیل هستند و دعا می‌کنند برای حضرت قائم به دستور خدا و همدیگر را نصیحت می‌کنند برای خدا، یعنی حضرت م ح م د بن الحسن مهدی خلف صالح حضرت صاحب الزمان - صلوات الله علیه -

به مسجد برگشتم نزد سید و او به من فرمود: لشکر را دیدی؟

گفتم بلی فرمود آیا شمردی ایشان را؟ فرمود: تعداد ایشان سیصد

یاور است و سیزده یاور ناصر دیگر باقی مانده است و امیدواریم
خدا تعجیل نمایند فرج را از برای ولی خود با اراده خویش،
بدرستی که وجود او جواد و کریم است.

گفتم ای سید من فرج چه موقع خواهد شد؟

گفت ای برادر! این را خدای تعالی می داند و این بسته به
خواست حق سبحانه و تعالی است برای ظهور نشانه‌های و
علامتهایی هست که دلالت بر خروج امام می کند. از جمله آنها
سخن گفتن ذوالفقار است که از غلاف بیرون می آید و سخن
می گوید به زبان عربی فصیح و می گوید: بر خیز ای ولی خدا به
اسم خدا! بکش بوسیله من دشمنان خدا را و از نشانه‌های دیگر
سه ندا می باشند که همه خلق آن را خواهند شنید: ندای اول آن
است که گوید: آنچه باید نزدیک شود نزدیک شده است^(۱) ای

گروه مؤمنان و ندای دوم: لعنت خدا بر آن ظالمانی که ظلم بر آل محمد ﷺ کردند.

و ندای سوم آن است که شخصی در مقابل تابش نور آفتاب ظاهر می‌شود و می‌گوید که: خداوند عالم حضرت صاحب الامر را فرستاده است و او مهدی است پس سخن او را بشنوید و امر او را اطاعت کنید.

سید فرمود حضرت قائم علیه السلام از مکه بیرون می‌آید و از میان رکن و مقام، در سال طاق پس باید مؤمنان انتظار آن لحظه را داشته باشند.

عرض کردم که: «ای سید من دوست دارم که در کنار شما باشم تا آنکه خدا آن حضرت را اجازه دهد بر ظاهر شدن».

گفت ای برادر! حضرت قبلاً به من دستور داده است که تو را

به وطنت برگردانم و برای من و تو مخالفت با آن حضرت امکان ندارد. تو صاحب زن و فرزند هستی و مدت طولانی هست که از چشم ایشان دور شده‌ای صحیح نیست که بیشتر از این از آنها دوری کنی.

من از این سخن متأثر و غمگین شده و گریه کردم و گفتم: ای مولای من آیا جایز است که درباره من به آن حضرت مراجعه کرده و التماس کنی، شاید که مرا اجازه ماندن دهد؟

فرمود: مراجعه درباره تو جایز نیست

گفتم: مرا اجازه می‌دهی که آنچه را دیدم برای دیگران بازگو کنم، گفت ترسی نیست به اینکه بازگو کنی برای مؤمنان تا آنها دل‌هایشان مطمئن گردد مگر فلان و فلان مورد و تعیین کرد چند چیز که آنها را نگویم.^(۱)

۱- گزارشاتی عجیب از محل زندگی فرزندان امام زمان علیه السلام ص ۵۲.

داستان دهم

(امام خمینی علیه السلام سه بار فرمودند: دعا کنید ظهور نزدیک است)

یکی از دوستان بنده که از عاشقان و دلسوختگان مهدی فاطمه (س) و از منتظران حقیقی ظهورش می باشند خوابی را در سال ۱۳۷۸ دیده بود که برای بنده نقل کردند بنا به اسرار بنده ایشان پذیرفتند که این قضیه در این قسمت از کتاب نقل شود اما از آنجایی که ایشان صاحب تألیفاتی در زمینه امام عصر (عج) می باشند اصرار کردند که نامی از ایشان برده نشود و صرفاً به نقل قضیه اکتفا شود.

این عاشق دلسوخته (که البته مورد وثوق بنده می باشند) چنین نقل می کنند که مدتی بود حالات معنوی خوبی داشتم و در آخر شبها بعد از توبه و خواندن مناجات تأبثین و ذکر یونسیه در سجده (که البته برنامه خاصی بود که به دستور یکی از بزرگان انجام می دادم) به امام عصر (عج) متوسل می شدم و برای فرجش دعا می کردم.

تا اینکه در یکی از همین شبها هنگامی که خوابیده بودم در عالم رؤیا مشاهده کردم که مردم در یک جایی جمع شده اند و مشغول شادی هستند همه مسرور و خوشحالند من از کسی سؤال کردم که چه شده است در جوابم گفت آقا امام خمینی علیه السلام زنده شده اند و مردم از این بابت مسرورند من خیلی تعجب کردم در همین موقع بود که دیدم مرحوم امام خمینی علیه السلام دارند به طرف من می آیند و گویا لباسشان کمی خاکی بود، پیش خود فکر

کردم حتماً ایشان رجعت کرده‌اند در این هنگام حضرت امام علیه السلام رو به بنده کردند و فرمودند: ظهور نزدیک است، ظهور نزدیک است، ظهور نزدیک است، و دقیقاً این جمله را سه بار تکرار کردند و بعد فرمودند به مردم بگویید برای فرج امام زمان علیه السلام دعا کنند و...

(در اینجا مطالبی را هم این دوست عزیز بیان کردند که مربوط به خودشان است و بنا به خواهش ایشان لزومی در ذکر آنها نمی‌بینیم).

داستان یازدهم

(آقا فرمودند: شاه سرنگون می شود و فرج نزدیک است)

حضرت استاد علامه سید حسن ابطحی خراسانی (حفظ
الله) در کتاب پرنور خود پرواز روح در مورد حالات مرحوم
شیخ میرزا نقی زرگر رحمته الله علیه چنین می فرمایند:

شب یکشنبه دهم ۱۴۰۰ مطابق نهم دی ماه ۱۳۵۸ برای
زیارت حضرت معصومه علیها السلام از مشهد به قم رفتیم به یادم آمد
زمانی که در قم تحصیل می کردم، مرحوم حاج ملا آقا جان رفیقی
داشت که از علمای اهل معنی بود و نسبت به او فوق العاده اظهار

علاقه می‌کرد وی خود را از شاگردان مرحوم ملا آقا جان علیه السلام می‌دانست. من هم به همین مناسبت تا وقتی در قم بودم با او ارتباط زیادی داشتم ولی او بسیار کتوم بوده و چیزی را از حالات خود اظهار نمی‌کرد. اما از حرکاتش کاملاً پیدار بود که متوجه عالم دیگری است. به هر حال به خانه او رفتم که شاید بتوانم مطالبی از حالات مرحوم حاج ملا آقا جان از او سؤال کنم. البته نه برای نوشتن در کتاب بلکه برای خودم، که شاید بایاد آن مرحوم توجهی به خدا و معارف حق پیدا کنیم. ولی متأسفانه وقتی در خانه رازدم و همسر بزرگوارش پشت در آمد و من گفتم: حاج آقا شریف دارند؟ گفت: آقا مگر شما خبر ندارید؟

گفتم مگر چه شده؟ گفت: ایشان بیش از یک سال است که از

دنیا رفته‌اند و ای کاش می‌بودید و می‌دیدید که چگونه از دنیا

می رفت

گفتم بسیار دوست دارم شرح حالی از آن مرحوم بالاخص از روزهای آخر عمرش برایم نقل کنید تا بیشتر از حالات ایشان اطلاع پیدا کنم

معظم لها فرمود: مانعی ندارد لذا وارد منزل شدیم... سپس گفتگوی ما با همسر و یکی از آقازاده‌های آن مرحوم به نام آقا باقر زرگر شروع شد

من سؤال کردم: ایشان چه کسالتی داشت که فوت شد؟ همسر ایشان گفت اطبا می‌گفتند: او مبتلا به سرطان روده بوده است و به همین منظور در بیمارستان نجمیه تهران بستری شده و عمل کرد ولی پس از چند روز فوت نمود. اما خود ایشان از چهار پنج سال قبل می‌گفت: من در سن شصت و شش سالگی

فوت می‌شوم و این اواخر ناراحت بود که چند ما از زمان فوتش
تأخیر شده است

گفتم شما همسر این مرد بزرگ بوده‌اید و چون ایشان مطالب
را بسیار کتمان می‌کرد ما درست از حالات او اطلاعی نداشتیم،
ولی انسان هر چه کتوم باشد نمی‌تواند صد درصد حالاتش را از
زن و فرزندش کتمان نماید لذا از شما تقاضا دارم آنچه از حالات
ایشان دیده‌اید و یا می‌دانید برای ما نقل کنید. ایشان فرمودند:
خیلی چیزها به من گفته و فرموده به کسی نگویم ولی یک سری
مطالبی هست که فکر نکنم لازم باشد کتمان شود و لذا اگر مایل
باشید آنها را برای شما شرح می‌دهم. سپس ادامه داد و گفت:
حدود سی سال بود که به کسالت زخم معده و درد کهنه مبتلا بود.
در این یک سال حالش خوب شده بود ولی چند روز قبل از ماه

رمضان ۱۳۹۸ که همان ماه رمضان آخر عمرش بود دوباره کسالتش شدت یافت به طبیب مراجعه کرد، قدری دارو داده بود که مصرف می کرد، طبعاً لازم بود روزه نگیرد و لذا شب اول ماه رمضان، من به قدر خودم غذا تهیه کردم ولی ساعت ۲ بعد از نیمه شب از خواب بیدار شدم، دیدم مناجات می کند و با خدای خودش راز و نیازی دارد و آماده برای سحری خوردن است گفتم شما بنا نبود روزه بگیرید!

گفت: در خواب دیدم پنج نفر از علما و سادات به منزل ما آمدند که یکی از آنها را می شناسم و او مرحوم آیه العظمی بروجردی بود گفتند امسال تو از دنیا می روی و این ماه رمضان آخر عمر تو است روزه برای تو ضرر ندارد و تو می توانی روزه بگیری، روزه ها را گرفت و حالش هم رو به بهبودی بود در نیمه

شب شانزدهم ماه رمضان المبارک با صدای گریه و مناجات او از خواب بیدار شدم، عطر عجیبی فضای اطاق را پر کرده بود پرسیدم چه شده گفت نمی دانی چه خبر بود، حضرت بقية الله روحی له الفداء تشریف داشتند مدتی خدمتشان نشسته بودم و الان که رفتند فراق ایشان مرا ناراحت کرده است.

گفتم: پس چرا مرا بیدار نکردی؟ گفت آقا فرمودند بگذار

بخوابد.

گفتم: مذاکراتی داشتید؟ گفت سؤالاتی از آقا کردم و ایشان

جواب عنایت فرمودند ولی نمی توانم همه سؤالات را به تو

بگویم

گفتم آن چه را می توانید بگویید. گفت از اوضاع مملکت از آقا

سؤال کردم فرمودند: شاه می رود و رژیم سرنگون می شود و فرج

نزدیک است (با آنکه در آن روز مردم فکر نمی کردند قدرتمندی
مثل شاه سرنگون شود)

پرسیدم: شفای کسالتت را از آقا نخواستی؟

گفتم: من باید از دنیا بروم چند ماه هم دیر شده است

سپس خود ایشان ادامه داد و گفت: از حضرت بقیة الله علیه السلام

سؤال کردم چگونه می شود همیشه خدمتتان باشم؟ فرمودند: من

همیشه با شما هستم هر وقت بخواهید مرا می بینید...

به هر حال آن ماه رمضان را روزه گرفت با اینکه مصادف با

روزهای بلند تابستان بود کوچکترین ناراحتی در وجودش ظاهر

نشد و تا روزی که برای عمل به بیمارستان رفت در بین مردم بود و

کسی از کسالتش مطلع نبود.

ایشان تأکید زیادی بر زیارت آل یاسین و توسل امام زمان علیه السلام

داشت به طوری که هر روز قبل از ظهر مقید بود به یکی از مساجد

قم برود و یکی دو ساعت مشغول ذکر و توسل به حضرت بقیه

الله علیه السلام باشد. (۱)

داستان دوازدهم

(امام زمان علیه السلام فرمودند که علائم ظهور انجام شده و فقط

پنج علامت حتمی باقی مانده)

در بعضی از قضایایی که برای دوستان امام زمان علیه السلام در عالم رؤیا اتفاق افتاده آقا فرموده اند که: علائم ظهور انجام شده و فقط پنج علامت حتمی که آنها مقارن و همزمان با ظهور آن حضرت است باقی مانده که چه بسا آنها هم در مدت کوتاهی انجام می شود پس بر شما باد که برای فرج دعا کنید ناقل این قضیه جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای زاهدی گلپایگانی هستند که در کتاب

شریف شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام به نقل از حجة الاسلام
والمسلمین آقای ملبویی و ایشان از مرحوم آیت الله سید محمد
هاشمی گلپایگانی رحمته الله که این خواب شیرین و مسرت بخش را که
نوید است مسرور کننده برای دوستان و منتظران دلسوخته آن
جمال کبریایی.

خلاصه فرمایش حضرت ولی عصر (عج) که در بالا ترجمه
شد (علائم ظهور انجام شده و فقط پنج علامت حتمی باقی مانده
که آنها هم مقارن با زمان ظهور آن حضرت است) به زبان عربی
است که آن حضرت در جواب ایشان (آیت الله سید محمد
هاشمی گلپایگانی) که پرسیده بود آیا وقت ظهور رسیده است یا
نه فرمود:

«لم تبق من العلامات الا المتحومات و ربما اوقعت فی مدة

قليلة فعليكم بدعاء الفرج»^(۱)

در اینجا همانطور که می بینید آقا می فرمایند: تمامی علامات به وقوع پیوسته است و فقط مانده یکپارچگی و دعای همگانی بر امر فرج تا امر ظهور مسجل شود و همانطور که در ادامه می فرمایند فعليكم بدعاء الفرج (یعنی بر شما باد دعای بر فرج) که مهمترین عامل رسیدن و نزدیک شدن فرج می باشد.

داستان سیزدهم

(امام زمان فرمودند: می‌آیم انشاءالله)

در کتاب شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام و همچنین در کتاب گزارشاتی عجیب از محل زندگی فرزندان امام زمان علیه السلام این داستان نقل شده است داستان مذکور را از قول شخصی که این قضیه برایش اتفاق افتاده است، را چنین نقل می‌کنند که:

اینجانب محمد علی نمازیخواه هم اکنون ساکن مشهد مقدس هستم و یکی از غلامان و خادمین افتخاری آستان قدس رضوی می‌باشم.

در سال ۱۳۲۲ تا سال ۱۳۴۷، ساکن بلده طیبه قم بودم و ایام
 شباب را در آن شهر پربرکت سپری نمودم و تقدیر آن بود که از قم
 به تهران و از آنجا به کرج و بعد به مشهد مقدس مهاجرت نمایم و
 اکنون خوشحالم و خدا را به این نعمت سپاس می گویم.
 الحمدلله كما هو اهله

باری! در حدود سال ۱۳۲۵ یا ۱۳۲۶ بود که هنوز در قم اسم
 و آوازه مرجعیت حضرت آیه الله بروجردی بلند نشده بود و
 علمای دیگر هم بودند.

شبى در عالم خواب دیدم که در قم بلوای عجیبی شده، شب
 نیست ولی تاریک است و تمام ساکنین، مردم و زن و بچه و جوان
 و حتی حیوانات هم به کوچه و خیابان ریخته و ضجه و ناله سر
 می دهند و به دنبال مطلبی هستند.

آنها می‌خواهند قاصدی را به خدمت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) بفرستند که حضرت تشریف بیاورند (و به قولی ظهور کنند).

در میان جمعیت همه مرا نامزد این کار کردند البته نه از نظر مقام و منزلت حقیر بلکه به عنوان پادو و فرمانبر ناگزیر می‌بایست این مأموریت را قبول کنم و آمرین را که همه مردم بودند از این راه خوشحال کنم.

لذا اینجانب به طرف قبله قم به راه افتادم، جمعیت هم مثل هلال نیم دایره پشت سر مواظب بودند که مبادا به طرف مقصد نروم.

بالاخره حدود دو یا سه کیلومتر که رفتم و جمعیت از دور مرا نگاه می‌کردند به لب دریا رسیدم و در حالی که گیوه به پا

داشتم بدون اراده شروع کردم روی آب راه رفتن و متوجه شدم که

نه فرو می روم و نه گیوه هایم تر می شود!

ناگهان از دور جزیره ای نمایان شد که ابتدا کوچک به نظر

می رسید لکن هر قدر که به آن نزدیکتر می شدم بزرگتر می شد.

تا آنکه دیدم جزیره در حدود پنج الی هفت هکتار است و

مانند زمرد سبز به قدری سبز و خرم است که نظیرش را ندیده

بودم. در این چمنها بوته های گل محمدی و رز با گلهای درشت

خوش رنگ و معطر دیگر بود.

پارا از روی آب برداشتم و روی چمنها گذاشتم، مقداری از

شبلم چمنهار یخته و گیوه هایم تر شد. گفتم عجباً در دریا از آب،

گیوه ام تر نشد و اینجا از شبلم تر شد.»

در میان چمنها قدم می زدم به نزدیک یک سالن بزرگ رسیدم.

این سالن مستطیل بود و حدود ۲۰ در ۴۰ متر و تمام دیواره هایش سبز بود. حدود ده پله عریض داشت که آنها هم سبز بود. وسط سالن با نوعی فرش که فقط سبز بود و پرز بلندی داشت پوشیده شده بود.

وسط سالن یک میز بدون پایه که تقریباً ۱۵ سانت ارتفاع داشت و حدود ۲۰ متر بود گذاشته و روی آن هم پارچه سبز خوش رنگی انداخته بودند.

خلاصه غیر از رنگ سبز رنگ دیگری نبود فقط گلها رنگارنگ بودند. در اطراف آن میز وسط سالن حدود چهل نفر همه همسال که تقریباً ۳۵ سال بودند با محاسن مشکی کوتاه و جای مسح سرشان را تراشیده بودند مانند قمه زنهای روز عاشورا، ولی زیبا و منظم، دور میز مانند تیراندازها که یک زانو

روی زمین و یک زانو زیر دست گذاشته و نشسته بودند، معلوم بود که یک مدرس درس می دهد و آنها می نویسند.

اینها را از پایین پله ها می دیدم. از پله های بالا رفتم درب ورودی عریض سالن ایستادم، درب مقابل خروجی سالن هم همین اندازه بود به فاصله تقریب ۴۰ متر دیدم طرف راست درب مقابل، یک میز کوچک بلندی به اندازه یک و نیم متر دایره بود که امام زمان علیه السلام ایستاده و به آن تکیه داده بودند و میز پشت سر حضرت بود آنچه که حضرت می فرمودند افراد نشسته می نوشتند.

حضرت هم در سن حدود ۳۵ ساله و دارای محاسن مشکی متوسط بودند زیبایی حضرت با افراد نشسته خیلی تفاوت داشت.

خود حضرت و حدود چهل نفر افراد دور میز همه در لباس احرام بودند ولی محل مسح سرح حضرت تراشیده نبود و عادی بود. از جذابیت سیمای حضرت نمی‌توانم چیزی بنویسم مخصوصاً نگاه جذاب او با تبسمی که بر لب داشت من در آستانه درب بزرگ سالن بودم و حضرت طرف راست درب خروجی داخل سالن بودند، فاصله حدود چهل متر بود و افراد کاتب در بین این فاصله بودند.

حقیر سلامی عرض کرده، حضرت جواب فرمودند و پرسیدند چه می‌خواهی؟ عرض کردم آقا اهل قم بسیار در ناراحتی هستند استدعا دارند که تشریف بیاورید فرمودند می‌آیم انشاءالله... برو.» عجیب بود که وقتی صحبت می‌کردیم، اولاً فاصله کم می‌شد و چهل متر به ده متر می‌رسید و هر گاه صحبت

تمام می شد دوباره همان فاصله چهل متری بود و ثانیاً افراد کاتب که در حدود چهل نفر بودند هیچ کدام سر را بالا نمی کردند که بدانند صحبت از چیست.

وقتی حضرت فرمود: برو بی اختیار و بدون حرکت دیدم پایین پله ها هستم دوباره رفتم جلوی درب و عرض کردم: آقا خیلی التماس کرده اند و منتظر شما هستند، استدعا دارم بیایید.

باز فرمودند: «می آیم انشاءالله برو»

باز هم دیدم که پایین پله های هستم.

دیگر حیا مانع شد که دوباره چیزی بگویم ولی باز به

زحمت بالا رفتم و از آستانه درب عرض کردم: آقا! لطفاً یک

نشانی بفرمایید که اهل قم قبول نمایند و بدانند که من آمدم

خدمت شما و درخواستها را عرض نمودم».

باز حدود یک متری مقابل هم واقع شدیم و فرمودند: ما ده هزار طلبه داریم یک امانت نزد یکی از آنها داریم امشب می‌رود نزدیک نفر دیگر این هم نشانی برو.»

باز هم بدون حرکت دیدم پایین پله‌ها هستم و از خواب بیدار شدم و شنیدم از بلندگوی صحن مطهر، قرآن پخش می‌شود معلوم شد که یکی از مراجع از دنیا رفته است.

درست حافظه‌ام یاری نمی‌کند ولی به احتمال قوی آیه الله حجت علیه السلام از دنیا رفته بودند و از همان روز به تدریج و با سرعت اسم آیه الله بروجردی علیه السلام بر سر زبانها افتاد و مرجعیت ایشان برای شیعیان جهانی شد.

(گزارشاتی عجیب از محل زندگی فرزندان امام زمان علیه السلام به

نقل از شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام)

داستان چهاردهم

(احتمال ظهور حضرت می رود)

روایات اسلامی دال بر آنست از ظهور مهدی موعود علیه السلام ناگهانی است و برای خداوند کاری ندارد که در یک شب وسائل را جور و تمام علامات حتمیه را به وقوع آورد (و یسألونک عن الساعة ایمان مرسیها...) سوره اعراف آیه ۸۷ به ضمیمه روایی آن از اهل بیت علیهم السلام که به ظهور ناگهانی و غیر مترقبه امام زمان علیه السلام تأویل فرموده اند)

این مطلب را روایات تأکیده کرده اند و جوابی است برای

کسانی که می‌گویند حالا کجا و ظهور امام زمان علیه السلام کجا هنوز که خیلی از علائم رخ نداده است ما جواب این دوستان ناآگاه را با روایاتی که از شیعه و اهل سنت از رسول اکرم و ائمه هدی مکرر آمده است بیان می‌کنیم:

این بزرگواران چنین می‌فرمایند که:

خداوند متعال امر ظهور امام زمان علیه السلام را در یک شب اصلاح خواهند نمود (المهدی منا اهل البيت يصلح الله امره فی ليله ^(۱)...) (۱)

داستان پانزدهم

(اکثر اصحاب ۳۱۳ نفر تکمیل شده‌اند و فقط تعداد اندکی

باقی مانده)

آیه الله سید محمد مهدی مرتضوی لنگرودی در جواب این سؤال که آیا احتمال ظهور در عصر کنونی می‌رود چنین فرمودند: به نظر اینجانب هنوز همه جهانیان نیاز به مصلح کل پیدا نکرده‌اند ممکن است تا چند سال دیگر نیاز حاصل شود و ممکن است چند ماه دیگر، بلکه چند روز دیگر نیاز همه به مصلح کل ضروری شود در این صورت ظهور حتمی است.

به نظر اینجانب وقتی که تمام اصحاب ۳۱۳ نفر مخصوص
 آقا امام زمان علیه السلام تکمیل شود آقا ظهور می‌نماید و من اخبار
 موثقی دارم که اکثر این ۳۱۳ نفر در جزیره خضراء آماده هستند و
 کمتر از تعداد انگشتان دست باقی مانده است که عده آنها کامل
 شود و طبق آخرین اخبار در حدود چند سال قبل شخصی به نام
 یزدی به این افراد اضافه شد و به جزیره خضراء رفت و بنظرم هر
 وقت باقی مانده این افراد که کمتر از تعداد انگشتان دست
 می‌باشند نیز آماده شوند ظهور می‌شود و ^(۱)...

۱- آیا ظهور نزدیک است؟ ص ۱۶۲.

داستان شانزدهم

(این هشت نفر تا زمان ظهور زنده‌اند)

حضرت آیت الله استاد سید حسن ابطحی خراسانی (حفظ الله) در کتاب پرنور و سودمند پرواز روح این قضیه را از قول مرحوم والد بزرگوارشان حاج سید رضا ابطحی (رضوان الله تعالی علیه) آورده‌اند که در اینجا به بیان آن می‌پردازیم.

پدر ایشان برایشان چنین نقل کرده‌اند که: ما برای اولین بار جلسه دعای ندبه را برای اولین بار در مشهد تشکیل دادیم در میان جلسه، جوان پاکی به نام سید عباس بود که خیلی در جلسه

گریه می‌کرد و در فراق امام زمان علیه السلام اشک می‌ریخت. یک روز صبح جمعه به اهل جلسه گفت: دیشب خواب امیدوارکننده‌ای را دیده‌ام. در عالم رؤیا می‌دیدم که تمام اهل جلسه با من نه نفریم و در خیمه نشسته‌ایم ناگهان شخصی وارد خیمه شد و گفت حضرت بقیه الله علیه السلام ظهور کرده‌اند، بیایید و در رکابش باشید، شماها همه از خیمه بیرون رفتید، هشت اسب و هشت دست لباس آماده بود شماها لباسها را پوشیدید و سوار اسبها شدید و می‌خواستید حرکت کنید من درخواست کردم که چرا پس مرا نمی‌برید؟ خواهش می‌کنم مرا هم ببرید شما در جواب گفتید: تو نمی‌رسی و از خواب بیدار شدم. پدر نقل می‌کرد که آن جوان پس از چند ماه با مرگ ناگهانی از دنیا رفت و معنی اینکه من به او گفته بودم تو نمی‌رسی معلوم شد که از زمان ظهور را درک نمی‌کند (منظور در عالم خواب است) پدرم این قضیه را پس از

چهل سال برای من نقل می‌کرد و می‌گفت آن هشت نفر هنوز زنده‌اند و من مطمئنم که تا ظهور حضرت ولی عصر (عج) همه ما زنده هستیم معظم له که مکرر خدمت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه رسیده بود و در راه رسیدن به این سعادت عظمی زیاد تلاش می‌کرد. در یکی از سفرهای عمره مفرده در نیسه نبی دیدم مثل زن بچه مرده گریه می‌کند سؤال کردم چه شده؟ فرمود از سر شب مکرر به خانه خدا به نیت زیارت حضرتش طواف کرده‌ام ولی هنوز به زیارتش موفق نشده‌ام. من او را دلداری دادم و به احتمال قوی آن شب عاقبت به مقصود رسید. (۱)

داستان هفدهم

(ظهور کمی به تأخیر افتاده است)

حضرت استاد عظیم الشان علامه ابطحی (دام عزه العالی) در قسمت دیگری از کتاب مذکور در مورد والد گرامیشان می فرماید:

مرحوم پدرم از کسانی بود که شاید مکرر خدمت حضرت بقیة الله رسیده بود که اولین دفعه اش در سن ۱۶ سالگی بوده که در صفحه ۹۳ همین کتاب (پرواز روح) آمده است. ایشان معتقد بود که تا زمان ظهور امام عصر علیه السلام زنده است. لذا هر زمانی که به

بیماری سختی مبتلا می شد به من می گفت: غصه نخور من نمی میرم خوب می شوم باید تا زمان ظهور زنده باشم.

در سال ۱۳۹۷ (هق) در روز ۲۴ شعبان خدمتش رفتم، مختصر کسالتی داشت سر به گوش من گذاشت و گفت: جمعه ای که می آید نه جمعه بعدی من از دنیا می روم. گفتم شما که می گفتید: من تا زمان ظهور حضرت زنده ام فرمود بله قرار بود ولی به من فرمودند از این دنیا برو خستگی ات را بگیر، اگر خواستی می توانی برگردی زیرا ظهور قدری به تأخیر افتاده است.

پس از آن روز کسالتش رو به شدت گذاشت و من همه روزه از معظم له عیادت می کردم و او همه روزه منتظر روز جمعه بود تا آنکه شب جمعه هشتم ماه مبارک رمضان ۱۳۹۷ (هق) رسیده. این جمعه ای بود که او انتظارش را می کشید. وقتی در آن شب از او عیادت کردم و پرسیدم حالتان چطور است؟ گفت: بسیار خوب

و بالاخره در همان روز موعود یعنی جمعه هشتم ماه رمضان

۱۳۹۷ هـ ق از دنیا رفت، خدا رحمتش کند. (۱)

(البته کسانی که در این مورد یعنی رجعت اولیاء خدا در زمان

ظهور برایشان سؤال پیش آمده به ترجمه دعای عهد مراجعه

کنند.)

داستان هجدهم

(آقا فرمودند: به مادرم فاطمه (س) قسم دیگر بدا حاصل

نخواهد شد)

دوست عزیز می دارم که از عاشقان و دلسوختگان مظلوم آل محمد علیهم السلام است وقتی که مشغول جمع آوری مطالب کتاب بودم با ایشان برخورد کردم و از آنجایی که می دانستم دارای حالات معنوی خوبی است از ایشان خواستم تا اگر مطلبی در این زمینه دارد برای بنده بیان کند ایشان بعد از اصرارهای مکرر من و به شرط اینکه نامی از ایشان نبرم چنین نقل کردند که: (البته این قضیه

را از قول استاد اخلاق خود نقل کرده‌اند و از بیان قضایای دیگر
سرباز زدند).

روزی که به محضر استاد عزیزم رسیدم از ایشان سؤال کردم
من مکرراً در کتب مختلف داستانهایی را دیده‌ام که در آن به
گونه‌ای بیان شده که ظهور نزدیک است چه از قول آن حضرت و
چه از قول دوستان و اطرافیان آن بزرگوار ولی وقتی خوب دقت
می‌کنم می‌بینم از تاریخ آن داستانها سالها گذشته و امر ظهور
تحقق پیدا نکرده و از طرف دیگر وقتی که به منابع و راویان
داستانها و قضایا می‌نگریم آنان را افرادی موثق و مورد اطمینان و
از علمای بزرگ می‌بینم و در صحت گفته‌هایشان هیچ جای شک
و تردیدی نمی‌بینم. پس چرا با وجود اینکه سالها قبل (طبق
داستانها و قضایای موثق) وعده ظهور داده شده و حتی به بعضی
از علما وعده داده‌اند که تو در زمان ظهور زنده هستی، ولی

اینچنین نشده علت چیست؟

استاد عزیزتر از جانم سر به زیر انداخته و با حالت حزن و اندوهی گفت می‌دانی چرا؟ پس خوب گوش کن تا به تو بگویم! حضرت ولی عصر (عج) در همان سالهای اول غیبتشان یعنی پس از گذشت کمتر ۹۰ سال در نامه‌ای به شیخ مفید همان مقدار از غیبت را تأخیر نام نهاده و برای بیدار شدن مردم از غفلت تکان دهنده‌ای را تذکر دادند.

ایشان در قسمتی از نامه جانسوزشان فرمودند: اگر شیعیان در وفاداری به تعهدی که نسبت به ما دارند همدل بودن، تأخیری در (ظهور) سعادت دیدارمان برایشان صورت نمی‌گرفت.^(۱)

آری فرزندانم حال بین ۹۰ سال کجا و یکهزار و صد و چند سال کجا این همه تأخیر برای بی وفایی شیعیان و به ظاهر دوستان

۱- احتجاج طبرسی ج ۲ ص ۶۰۲ ج اول.

است آری بارها شده که زمان ظهور رسیده ولی به خاطر عدم آمادگی شیعیان به تأخیر افتاده است ولی عزیزم از برای اینکه سؤال را از من پرسیدی مژده‌ای به تو می‌دهم که قلبت آرام گیرد و با سوز و گداز هر چه بیشتر به درگاه خداوند فرج امام زمان علیه السلام را بخواهی و آن مژده این است که:

شبی در عالم رؤیا وجود مقدس امام زمان علیه السلام را مشاهده نمودم، ایشان رو به من کرده و گفتند فرج نزدیک است و به مادرم فاطمه زهرا (س) قسم این بار تأخیری در آن نخواهد بود. انشاءالله.

داستان نوزدهم

(به مردم بگوئید ظهور خیلی نزدیک است)

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای حاج شیخ سید جعفر رفیعی (دام عزه) در مورد نزدیک بودن امر ظهور ضمن بیان روایتی که در آن روایت معصوم می فرماید: مهدی از ماست و خداوند امر ظهورش را در یک شب اصلاح می فرماید) به بیان داستانی که به تازگی برای نزدیکان ایشان رخ داده است می پردازد، ایشان می فرمایند:

جمعی از آشنایانم (حدود پنج نفر) که نزد من موثق هستند می گفتند: «در مسجد مقدس جمکران حضرت بقیة الله (ارواحنا التراب مقدمه الفداء) را ملاقات کردیم آن حضرت فرمودند: به مردم بگوئید ظهور خیلی نزدیک است و توبه کنند و منتظر باشند و تبلیغ کنند. (۱)

داستان بیستم

(زمان ظهور بر کسی معلوم نیست)

روزی در محضر یکی از علماء بودیم و از ایشان در مورد
علائم ظهور اینکه آیا ظهور نزدیک است یا نه سؤال می کردیم.
ایشان در جواب فرمودند البته که ظهور نزدیک است یعنی
اگر ما ظهور را دور بپنداریم به قول امام صادق علیه السلام از دشمنان اهل
بیت هستیم آقا امام صادق علیه السلام می فرمایند ظهور امر ما را دشمنان
ما دور می پندارند و ما آن را نزدیک می بینیم.

ولی در اینجا موضوع دیگری را هم باید در نظر گرفت و آن
این است که هیچ کسی حق ندارد از این فرمایش امام صادق علیه السلام
سوء استفاده کند و برای ظهور وقت تعیین کند که همانا به قول
مولا یمان مهد علیه السلام که فرموده اند:

و اما هور الفرج فانه الى الله و كذب الوقاتون (۱)

یعنی کسانی که برای ظهور وقت تعیین می کنند دروغگو و کذاب هستند.

ایشان در ادامه گفتند من خود قضیه‌ای در این مورد دارم که برای شما نقل می کنم.

چندی پیش به فکر این افتادم که بدانم زمان و وقت ظهور چه موقع است و یا حداقل به حدود آن دست یابم و خیلی در این مورد تفحص کردم و به وجود مقدس امام عصر (عج) متوسل شدم تا اینکه شبی در عالم رؤیا دیدم یکی از علمای بزرگ که از سادات جلیل القدر خراسانی نیز می باشد کتابی به دست من داد که در مورد علائم ظهور در آن چیزهایی نوشته شده بود و همچنین در مورد وقت ظهور.

من آن قسمت را که مربوط به زمان ظهور بود را مطالعه کردم و به خیال خودم دیگر فهمیده بودم که چه موقع است ولی وقتی از خواب بیدار شدم با اینکه خوابم چندان طولانی نبود ولی به

طور کامل آن قسمت از مطالبی را که در مورد وقت ظهور بوده را فراموش کرده بودم این در حالی بود که تمام لحظه به لحظه آن خواب و حتی آن مطالبی را که روی آن دقت فکر نکرده بودم در ذهنم بود الا آن مورد. و هر چه بیشتر به ذهن خود فشار می آوردم کمتر به نتیجه می رسیدم. ضمن آن که در خواب ملهم شدم که ظهور نزدیک است از قسمت وقت ظهور فقط همین را به یاد دارم. آری این خواب برای من درس عبرتی بود تا دیگر دنبال مطالبی که سری است و رازی است بین خدا و بنده معصومش نروم و با این خواب به من فهماندند که وقت ظهور بر همه کس پوشیده است و به جای اینکه بخواهی سر از مطالب ناگفتنی در بیاوری سعی کن یک منتظر حقیقی و دلسوخته باشی و با دعایت ظهورش را برسانی.

این قضیه عبرت‌انگیز به ما می فهماند که به جای تجسس در اسرار الهی، وظیفه بندگی خود را به خوبی انجام دهیم تا خدا و حاجتش از ما راضی و خشنود گردند.

(با تشکر از آقای..... که اجازه درج مطلبشان را در این قسمت از کتاب به ما دادند.)

داستان بیست و یکم

(آقای پدوسکا) مبلغ مسیحیت از آمریکا) روز ظهور بسیار

نزدیک است)

در کتاب تحقیقی پژوهشی آیا ظهور نزدیک است؟ که به حق کتاب کامل و جامعی است مطلبی جالب از قول آقای پدوسکا (مبلغ مسیحیت از آمریکا) را بیان نموده‌اند که آن مطلب را در این قسمت ذکر می‌کنیم:

آقای پدوسکا در جواب این سؤال که آیا ممکن است در این زمان ظهور مصلح جهانی اتفاق بیفتد گفت:

«در انجیل برای ظهور مصلح جهانی علائمی ذکر شده است. از جمله وقوع زلزله‌ها، سیلها، جنگها، قحطی، خشکسالی و... که تمام این علائم محقق شده‌اند.

با توجه به جواب ایشان سؤال شده که: بنابر این روز ظهور

نزدیک است، ایشان در جواب گفت: (thedayisvery soon)

یعنی: آن روز بسیار نزدیک است.^(۱)

داستان بیست و دوم

(حرکتی که باعث تعجیل در امر فرج شد)

در ۱۶ شهریور ماه ۱۳۸۰ در یکی از شهرهای جنوبی کشور حرکتی صورت گرفت که اگر در خارج از ایران نظیر آن صورت می‌گفت تا مدت‌ها بر روی آن تبلیغ می‌کردند عاملان آن حرکت به هر هدفی که می‌خواستند بابت انجام آن حرکت می‌رسیدند مثلاً پول، شهرت، مقام و...

ولی در جنوب این کشور پهناور عده‌ای جوان عاشق و شیفته امام عصر (عج) و فقط به نیت بیداری دلهای خفته و تبلیغ و جب به وجب اکثر شهرها و مناطق کشور این حرکت صورت گرفت. پیاده روی مطلقاً پیاده عده‌ای جوان با اخلاص و شیفته امام عصر (عج) از مسیریکی از شهرهای جنوبی کشور تا آشیانه آل

محمد ﷺ قم و مسجد مقدس جمکران که نزدیک به ۱۲۰۰ کیلومتر مسیر سخت و خطرناک را بدون اکیپ همراه و حتی کمترین امکانات موجود در آن هوای گرم شهریور ماه نیمه جنوبی کشور را شامل می‌شد، با توکل و توسل به قطب عالم امکان حضرت بقیة الله اعظم (روحی و ارواح العالمین له الفداء) پای در راه نهادند و این مسیر را در ۵۴ روز طی کرده تا عاقبت در نیمه شعبان ۱۳۸۰ در روز تولد مولایشان امام عصر (عج) به مسجد مقدس جمکران رسیده و سجده شکر به جای آوردند.

آری حرکتی که چه بسا بسیاری از دل‌های خفته را بیدار نمود و اشک را از دیدگان بسیاری از دوستان و شیعیان آن حضرت جاری ساخت و این همان هدف آنان بود.

بنده در بین راه و در مسیر یکی از شهرها به دیدار این عزیزان رفتم شب هنگام به محل سکونتشان در یکی از خوابگاهها رفتم منظره‌ای را دیدم که واقعاً اشک در دیدگانم حلقه زد.

پاهای این عزیزان تاول زده بود و خونابه از آن بیرون می‌آمد با این حال به روی خود نمی‌آوردند با خود گفتم خدایا اینها به

خاطر رضای حجت مهدی علیه السلام و بیدار کردن دلهای خفته قدم در این راه نهاده‌اند و... خلاصه گذشت و بعد از برگشتن این عزیزان به شهر و زادگاهشان که همراه بود با استقبال بین نظیر مردم، مسئولین اداری، روحانیون و... یکی از دوستان خواب نوید بخش و مسرور کننده‌ای دید که برآستی خستگی را از جان و تن همه آنان رهانید. این عزیز در مورد جزئیات خواب خود چیزی نقل نکرد و فقط به این گفته اکتفا کرد که من در عالم رؤیا دیده‌ام این عمل این عزیزان مورد تأیید امام عصر (عج) قرار گرفته و باعث تعجیل در امر فرج شده است آری اگر حتی حرکتی صورت بگیرد که مردم را متوجه آقا امام زمان علیه السلام بکند بدون شک در تعجیل فرج نقش اساسی را ایفا خواهد کرد هر کس به قدر خودش یک قدم بردارد باور کنید فرجش خواهد رسید.

داستان بیست و سوم

(امام خامنه‌ای (دام عزه العالی) فرمودند: ما به زمان ظهور

محبوب حقیقی انسانها نزدیک شده‌ایم)

دلم آرام نمی‌گرفت، هرچند علائم ظهور را بررسی می‌کردم می‌دیدم که همه آنها اکثراً به وقوع پیوسته داستانه‌های مختلفی در این زمینه مطالعه کرده بودم که وعده بر نزدیک شدن امر فرج را می‌داد و روایات و احادیث را که بررسی می‌کردم نیز همین گواهی را می‌داد ولی باز هم دلم آرام نمی‌گرفت می‌دانید چرا؟ هر چند که این داستانه‌ها و قضایا از افراد موثق نقل شده بود ولی من دلم پیش کس دیگری بود و منتظر بودم آن عزیزتر از جانم، آن نائب امام عصر (عج) آن سلاله پاک زهرا (س) حضرت آیت الله العظمی الامام خامنه‌ای (دام عزه العالی) کلامی بگوید:

و سخنی در این زمینه بگویند، زیرا با خود می‌گفتم ایشان نائب بر حق مولا ایشان مهدی علیه السلام هستند و اگر قرار باشد مطلبی و صحبتی در زمینه ظهور و نزدیک بودن آن شود کسی سزاوارتر از ایشان برای آن نیست مدتها در این آرزو بودم تا از لبان مبارک مقام معظم رهبری مطلبی را در مورد ظهور بشنوم تا دلم آرام گیرد.

عاقبت به آرزویم رسیدم و ایشان با بیانی تاریخی اشک شوق را از دیدگان خیلی از عاشقان مهدی فاطمه (س) جاری کردند درست ۱۳۷۸/۹/۳ یعنی یک روز بعد از نیمه شعبان بود که ایشان طی سخنرانی با شکوهی چنین فرمودند: «...ما به زمان ظهور محبوب حقیقی انسانها نزدیک شده‌ایم زیرا معرفتها پیشرفت کرده است امروز ذهنیت بشر آماده آن است که بفهمد و بداند، یقین کند که انسان والایی خواهد آمد». حال با اطمینان خاطر به اینکه ظهور مولا یمان نزدیک است نزدیکتر از آنچه فکرش را می‌کنیم دست به دعا بر می‌داریم و خداوند را به حق اجداد طاهرینش قسم می‌دهیم که فرجش را مسجل گرداند و سایه این سید بزرگوار مقام معظم رهبری را از سرما کم نکند و طول عمر با

عزت به این طلایه دار خورشید مکه عنایت فرماید تا انشاءالله با
فرج مولایمان ایشان نیز از مظلومیت رهایی یابند. (این معز
اولیاء)

و مقام معنوی و عرفانی ایشان بر همگان معلوم گردد

داستان بیست و چهارم
(وقت ظهور محققاً نزدیک است)

شاید عده‌ای بگویند چرا اینهمه می‌گویید ظهور نزدیک است و شاید هم برای عده‌ای این سؤال پیش آید که آیا خود امام عصر (عج) این گفته را قبول دارند و آیا ایشان روی نزدیک بودن امر فرج تأکید دارند یا نه اگر است پس برای ما منبع موثق و محکمی بیاورید.

ما در اینجا در جواب اینان که به هر دلیلی نزدیک بودن ظهور امام زمان علیه السلام را نفی می‌کنند می‌گوییم یکی از محکمترین کتب در جهان تشیع بلکه در جهان اسلام مجموعه کتابهای شریف بحارالانوار است.

در بحارالانوار ج ۵۳ ص ۲۱ از قول حضرتش چنین نقل شده

است که: «الوفتت قددنا الوقت قددنا» یعنی وقت ظهور محققاً
نزدیک است! وقت ظهور محققاً نزدیک است.

این هم مدرک محکم و موثق برای طالبان حق و حقیقت.

داستان بیست و پنجم

(اگر اینگونه باشیم، ظهور ده سال جلو می‌افتد)

یکی از ارادتمندان و شیفتگان وجود مقدس امام عصر (عج) جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای سید جواد معلم (دام‌عزه) می‌باشند ایشان در کتاب مطلع الفجر خویش آورده‌اند:

یکی از دوستان مورد اعتمادم که از نویسندگان و دارای تألیفاتی هستند در روز دوم شوال ۱۴۲۱ سال ۱۳۷۹ به من تلفن زد و گفت: شب گذشته در وقت سحر، در عالم رؤیا دیدم که خدمت آقا امام زمان علیه السلام هستم، حضرت ولی عصر علیه السلام با حالت خاصی فرمودند:

اگر هر روز سه نفر منتظر من باشند، ظهور ده سال جلو

می‌افتد^(۱) حال ببینید اگر ما شیعیان در این امر یکپارچه شویم و برای فرج دعا کنیم همانا ظهور مولا یمان خواهد رسید.

داستان بیست و ششم

(پروفسور ساشادینا اسلام شناس معروف اروپا و

آمریکا: ظهور نزدیک است)

پروفسور عبدالعزیز ساشادینا اسلام شناس معروف اروپا و
آمریکا در مورد این سؤال که به نظر شما آیا ظهور امام زمان علیه السلام
نزدیک است چنین پاسخ گفته‌اند:

بله! ما موظفیم (همه آنهایی که پیروان امام زمان علیه السلام هستند)
که همیشه آماده باشیم، حضور ذهنی و باور قلبی داشته باشیم که
امام هست و دارد مشاهده می‌کند و کارهای خوب ما او را
خوشحال و کارهای بد ما او را آزار می‌دهد. برای همین در دعای
استغاثه می‌خوانیم که ادرکنی یا مولای یعنی ما را درک کنید و
طوری عنایت بفرمایید که ما بدانیم شما در همه مشکلاتی که

داریم با ما هستید. یقین کنیم که شما به ما عنایت دارید دست ما را می‌گیرید و راهنمایی می‌کنید من در تمام عمر که الان شصت سال است همیشه فکر می‌کنم که امام زمان علیه السلام در همه جا با ما هستند. (۱)

داستان بیست و هفتم

(چکار کنیم که ظهور از این هم نزدیکتر شود)

در روایتی حضرت امام صادق علیه السلام چنین ما را راهنمایی می‌کنند که اگر برای فرج مولایمان اینگونه عمل کنیم همانا ظهور خواهد رسید.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: ...چون عذاب بر بنی اسرائیل طولانی شد، تا چهل روز در پیشگاه الهی ضجه زده و گریه کردند سپس خدای تعالی به حضرت موسی و هارون وحی فرمود که بنی اسرائیل را از دست فرعون نجات دهند که در نتیجه (در اثر دعاهاى آنان) از صد و هفتاد سالی که به فرج (حضرت موسی علیه السلام) باقى مانده بود صرف نظر شد.

سپس حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

شما هم همین طور، اگر این چنین عمل کنید خداوند فرج ما را می‌رساند، ولی اگر دست روی دست بگذارید و اینگونه دعا نکنید وقتی که کار به نهایت خود رسید (که خدای تعالی تأخیر بیشتر را جایز ندانست) فرج می‌رسد. (۱)

داستان بیست و هشتم

(شما خوب می‌شوید و ظهور نزدیک است)

یکی از خدمتگذاران مسجد جمکران می‌گوید: یک روز قبل از عاشورای حسینی در مسجد جمکران در حال قدم زدن بودم مسجد خلوت بود ناگهان متوجه مردی شدم که بسیار هیجان زده و به خدام مسجد که می‌رسید آنها را می‌بوسید و بغل می‌کرد. جلو رفتم بینم جریان چیست، آن مرد مرا هم در آغوش کشید و بوسید در حالی که اشک می‌ریخت از او جریان را پرسیدم، گفت: چند وقت قبل با اتومبیل تصادف کردم و فلج شدم و پاهایم از کار افتاد هر شب متوسّل به خدا و ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌شدم. امروز همراه خانواده‌ام به مسجد جمکران آمدم، از ظهر به بعد حال خوشی داشتم، متوسّل به آقا شدم و از ایشان تقاضای

شفای خود را کردم، نیم ساعت قبل ناگاه دیدم مسجد نور عجیب و بوی خوشی دارد به اطراف نگاه کردم، دیدم مولا امیرالمؤمنین علیه السلام و امام حسین و قمر بنی هاشم و امام زمان علیه السلام در مسجد حضور دارند، با دیدن آنها دست و پای خود را گم کردم، نمی دانستم چه کار کنم ناگاه آقا امام زمان (عج) به طرف من نگاه کردند و لطف ایشان شامل حال من شد، به من فرمودند:

شما خوب شدید بروید به دیگران بگوئید برای ظهورم دعا کنند که ظهور ان شاءالله نزدیک است.

و باز فرمودند: امشب عزاداری خوب و مفصلی در این مکان برقرار می شود که ما در اینجا هستیم.

مرد شفایافته یک انگشتری طلا به دفتر هدیه داد و خوشحال رفت مسجد خلوت بود، آخر شب هیئتی از تبریز به جمکران آمد و به عزاداری و نوحه خوانی پرداخت و مجلس بسیار با حال و پرشور و سوزناک بود، در اینجا من به یاد حرف آن برادر افتادم. (۱)

۱- مسجد جمکران تجلیگاه صاحب الزمان (عج): ص ۱۲۵ و شفایافتگان: ص ۶۸.

بخش دوم

علائم به وقوع پیوسته

براستی ظهور نزدیک است!

در این بخش از کتاب علائم ظهور را که به وقوع پیوسته را مورد بررسی قرار می‌دهید اما قبل از آن باید مسئله مهمی را در این زمینه توضیح دهیم و آن مسئله این است که عده‌ای از علمای اهل معنی همچون آیت الله استاد سید حسن ابیحی (دام عزه) آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته) حجة الاسلام حاج شیخ علی رضا نعمتی (حفظ الله) و... و بسیاری از علما و روحانیون که این مطلب را بیان کرد و بروی آن تاکید و پافشاری می‌کنند و برای بیان خود ادله و براهین قاطع و قانع کننده‌ای دارند که ما از آن جهت که قصد اختصار گویی داریم و از جهت دیگر می‌خواهیم ای مسئله بر خوانندگان عزیز روشن شود به بیان نظرات دو تن از علمای بزرگوار و اهل معنی بسنده می‌کنیم

نظرات استاد عظیم الشان علامه سید حسن ابطحی

خراسانی (دامت برکاته) در مورد ظهور صغری

ایشان چنین می‌گویند که مطلبی را که می‌خواهم عرض کنم،

مطلب بسیار ابتکاری است. و آن هم از من نیست، در شب تولد

حضرت بقیة الله علیه السلام این مطلب را از قول استاد عزیزم مرحوم حاج ملا آقا جان ^(۱) علیه السلام عرض می‌کنم:

روزی در محضر ایشان بودیم فرمودند از سال ۱۳۴۰ قمری (هش ۱۳۰۰) غیبت کبری تمام و ظهور صغری شروع شده من آن زمان جوان بودم و با این که شنیدم ولی در موردش تحقیق نکردم که بچه دلیل ایشان این مطلب را فرمودند البته ایشان اشاره کردند که از همان سال افکار بشر ترقی و مردم رشد کرده و در علوم مختلف پیشرفت کرده‌اند.

شما فکر نکنید اگر گفتید ظهور انجام خواهد شد و یا در روایات گفتند فلان وقت و فلان زمان ظهور است این ظهور آخری است نه؛ ظهور مراحلی دارد (همچون غیبت که از صغری شروع و به غیبت کبری بدل شد) همان طور که طلوع خورشید مراحلی دارد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وجود مقدس حجة ابن الحسن را به خورشید تشبیه کرده‌اند که در چندین روایت صحیح این مطلب آمده است.

— شرح حالات معنوی این ولی خدا در کتاب شریف پرواز روح آمده است.

خورشید در اذان صبح در آن تاریکی کامل یک سفیدی بسیار کمی دارد و بعد از این سفیدی که فجر صادق است - مرتب زیاد می‌شود. تا آنجا که نزدیک طلوع خورشید می‌شود، می‌بینیم دیگر هیچ فرقی بین این که خورشید کامل درآید یا کامل درنیاید نیست. ایشان معتقد بودند که این خورشید پر عظمت الهی یعنی حضرت بقیه الله علیه السلام که سوی الله را نورانی کرده و می‌کند در کره زمین در حال بیرون آمدن است. من به این فکر می‌کردم که تا قبل از سال ۱۳۴۰ هجری قمری، در ایران (که مرکز شیعه بوده) مساجد یا مراکز مردمی به نام امام عصر علیه السلام نبود حتی من در سال ۱۳۴۶ شمسی مکه بودم. به هر کدام از اهل سنت برخورد می‌کردم وقتی می‌گفتم من شیعه هستم و صحبت از امام غائب می‌کردم، اکثراً نه شیعه را می‌شناختند و نه امام زمان علیه السلام را، و مردم هیچ توجهی به حضرت نداشتند مگر شیعیان که در میان اعتقاداتشان تنها اسمی از آن حضرت می‌برند ولی اطلاعی از وضع ایشان نداشتند اما امروزه، حتی امسال با پارسال فرق کرده است قبلاً به یکی از مسئولین گفتم من آرزو دارم این دعای ندبه را در رادیو بگذارید

گفتند: مقتضی نیست ولی حالا شرایط به شکلی شده که این برنامه‌ها را می‌گذارند.

توضیحاتی دیگری از علامه ابطحی (دام عزه) در این مورد

در ظهور صغری اگر چه مردم خدمت مهدی (عج) مستقیم نمی‌رسند ولی چند چیزی که مقدمه ظهور کبری است ظاهر شده است.

اول: به عکس زمان غیبت کبری که در میان مرم حتی در میان شیعه نامی از آن حضرت نبود در سر هر کوچه و بازار و در میان محافل و تمام شهرها و قراء و در نامگذاری مساجد و اماکن، نام والقباب آن حضرت زیاد برده می‌شود (آماری در این مورد در آخر این توضیحات خواهد آمد)

دوم: رشد افکار و پیشرفت علم و صنعت و تکنیک است. توضیح آنکه قبل از سال ۱۳۰۴ هجری قمری افکار بشر نمی‌توانست در میدان علم و صنعت تا این حد که بعد از ۱۳۴۰ هجری قمری تاخست و تاز کند. اکثر علوم و اکتشافات از آن تاریخ به

بعد به مرحله ظهور و بروز رسیده و تا آنجا پیشرفت کرده که حتی فضا را فتح نموده است. بنابر این اینچنین افکاری است که می‌تواند معجزات حضرت بقیه الله علیه السلام را درک کند چه آنکه طبیعی این عمل شده باشد یا آنکه ذات اقدس متعالی افکار را رای استقبال از ظهور کبری رشد داده باشد فرقی نمی‌کند به هر حال مقدمه ظهور کبری است.

سوم: ظهور و بروز معجزات و ارتباط زیادی که با آن حضرت برقرار می‌شود (چنان که در کتب مختلف این مسئله اثبات شده است).

چهارم: قبل از سال ۱۳۴۰ هـ ق شیعیان کمتر به فکر پرداخت وجوهات و سهم مبارک امام علیه السلام بودند زیرا اگر کسی در بیوگرافی مراجع و علمای گذشته دقت کند متوجه می‌شود که: آنها با چه فشاری زندگی می‌کرده‌اند و پولی نداشتند که به طلاب علوم دینی بدهند. ولی بعد از سال ۱۳۴۰ هـ ق اکثراً شیعیان یا مرتب وجوهاتشان را می‌دهند و یا لااقل به فکر این که چرا شیطان مانع آنها گردیده است می‌باشند.

انشاءالله موفق به زندگی در ظهور کبری نیز بگردیم.^(۱)

نظرات آیت الله العظمی مکارم شیرازی «مدظله العالی»

مرجع عالیقدر و بزرگوار آیت الله مکارم شیرازی «دام عزه» در مورد ظهور صغری چنین فرموده‌اند: همانطور که غیبت دو مرحله دارد، مرحله‌ی غیبت صغری و کبری، ظهور هم دارای دو مرحله است، ظهور صغری و کبری، اگر وجود حضرت را تشبیه کنیم به آفتاب، که در احادیث زیادی تشبیه شده و در زمان غیبت یکی بین الغروبین است، بعد یک شب تاریک، در ظهور هم یک بین‌الطلوعین خواهد بود و یک طلوع آفتاب. در بین‌الطلوعین که ظهور صغری است نام و آوازه امام زمان علیه السلام همه جا پخش می‌شود کوچک و بزرگ در محیط‌های متعلق به امام زمان علیه السلام شوق و اشتیاق و علاقه ارتباط تازه‌ای پیدا می‌کنند. کتابها، مجالس و مساجد و برنامه‌ها زیاد می‌شود. در سابق کمتر مسجد یا حسینیه‌ای به نام حضرت مهدی علیه السلام نامیده می‌شد حالا الی

ماشاءالله مؤسسات مختلف و خیابانها و تشکیلات زیادی به نام حضرت وجود دارد که اینها همه‌اش نشان می‌دهد که بالاخره عنایت و اراده‌ای الهی، تعلق گرفته است که ظهور نزدیک است و مادر بین الطلوعین قرار داشته باشیم.

مسجد جمکران پنجاه سال قبل در مواقع شلوغی حداکثر شاید ده نفر زائر داشت، خیلی اوقات که به مسجد می‌رفتیم در مسجد بسته بود که باید می‌رفتیم در مسجد را باز کرده، نماز می‌خواندیم، گنجایش مسجد هم خیلی محدود بود اما الان نگاه می‌کنیم واقعی هست که صدها هزار نفر یا با این آمار که شما هم اشاره کردید (پانزده میلیون نفر در سال) بیش از زوار بیت الله الحرام است چون ما حساب کردیم زوار بیت الله الحرام شاید در حدود هفت تا هشت میلیون در سال باشد، ولی مسجد جمکران پانزده میلیون است که دو برابر این مقدار و معادل زوار حضرت رضا علیه السلام است که صدها سال جریان دارد تا به این جا رسیده ولی این که مسجد جمکران در ده بیست سال به این صورت در بیاید

پیدا است که عنایت خاصی به این حرکات وجود دارد. (۱)

و اما همانطور که دیدید در سخنان این دو بزرگوار از نشانه‌های ظهور حضرت ازدیاد نام حضرت (مساجد که به نام ایشان هستند، مراکز، محله‌ها و خیابانها و حتی اسمهای خانوادگی و...) نام برده‌اند ما قبل از آنکه به بیان علائم به وقوع پیوسته ظهور قائم آل محمد ﷺ را بیان کنیم تحقیقی را که در این زمینه‌ها شده را از نظر گرامی شما عزیزان می‌گذرانیم.

تابش شعاعی کوچک از نور حضرت بقية الله ﷺ بر مساجد تهران

بزرگ و حومه:

جدول زیر را که به عنوان شاهی روشنی بر بحث ظهور صغری یا تابش نور خورشید حضرت بقية الله ﷺ قبل از ظهور و درخشش نام آن حضرت است را تقدیم شما می‌کنیم. (مجله خورشید مکه ش ۶ ص ۴۰).

۱- مجله خورشید مکه ش ۵ ص ۲۷ به نقل از ویژه نامه فرهنگ مهدویت ج ۱ ص ۸ و ۷.

مساجد تهران بزرگ

صاحب الزمان <small>علیه السلام</small> ۱۰۰	امام زمان <small>علیه السلام</small> ۱۸
حجة بن الحسن <small>علیه السلام</small> ۴	حجت <small>علیه السلام</small> ۶
مهدی <small>علیه السلام</small> ۲۳	ولی الله الاعظم <small>علیه السلام</small> ۳
بقیة الله <small>علیه السلام</small> ۵	امام عصر <small>علیه السلام</small> ۳
ولی عصر <small>علیه السلام</small> ۴۰	مهدی قائم <small>علیه السلام</small> ۱
قائم <small>علیه السلام</small> ۱۱	قائم آل محمد <small>علیه السلام</small> ۷
صاحب الامر <small>علیه السلام</small> ۴	صاحب <small>علیه السلام</small> ۱

مساجد شهرهای حومه تهران

کرج، شهریار و ساوجبلاغ

تعداد کل مساجد: ۱۲۲۱

مساجدی که با نام حضرت مزین شده‌اند ۲۷۰ مسجد

صاحب الزمان <small>علیه السلام</small> ۱۱۹	امام زمان <small>علیه السلام</small> ۵
حجة بن الحسن <small>علیه السلام</small> ۱	حجت <small>علیه السلام</small> ۳
مهدی <small>علیه السلام</small> ۱۴	المهدی <small>علیه السلام</small> -
بقیة الله <small>علیه السلام</small> ۱	منتظرین امام زمان <small>علیه السلام</small> ۱
ولی عصر <small>علیه السلام</small> ۲۷	قائمیه <small>علیه السلام</small> ۱
قائم <small>علیه السلام</small> ۸	انصار المهدی <small>علیه السلام</small> ۱
مهدی <small>علیه السلام</small> ۵	صاحب <small>علیه السلام</small> ۱

اسلامشهر، شهر قدس و رباط کریم

صاحب الزمان <small>علیه السلام</small> ۲۷	امام زمان <small>علیه السلام</small> ۷
حجة بن الحسن <small>علیه السلام</small> —	حجت <small>علیه السلام</small> —
مهدی <small>علیه السلام</small> —	المهدی <small>علیه السلام</small> ۱
بقية الله <small>علیه السلام</small> —	منتظرین امام زمان <small>علیه السلام</small> —
ولی عصر <small>علیه السلام</small> ۴	قائمیه <small>علیه السلام</small> —
قائم <small>علیه السلام</small> ۱	انصار المهدی <small>علیه السلام</small> —
مهدی <small>علیه السلام</small> —	صاحب <small>علیه السلام</small> —

ورامین، قرچک، پیشوا، دماوند، رودهن و بومهن

صاحب الزمان <small>علیه السلام</small> ۴۱	امام زمان <small>علیه السلام</small> ۸
حجة بن الحسن <small>علیه السلام</small> —	حجت <small>علیه السلام</small> —
مهدی <small>علیه السلام</small> —	المهدی <small>علیه السلام</small> ۳
بقية الله <small>علیه السلام</small> ۱	منتظرین امام زمان <small>علیه السلام</small> —
ولی عصر <small>علیه السلام</small> ۷	قائمیه <small>علیه السلام</small> —
قائم <small>علیه السلام</small> ۱	انصار المهدی <small>علیه السلام</small> —
مهدی <small>علیه السلام</small> ۲	صاحب <small>علیه السلام</small> —
جمع بندی کل:	

از مجموع ۳۰۸۷ مسجد تهران و حومه، تعداد ۴۹۶ مسجد
یعنی حدود یک ششم به نام حضرت می باشد.

درخششی دیگر از نور حضرت بقیة الله (عج) در زمان ظهور صغری:

بر اساس اعلام رسمی رسانه‌ها مسجد مقدس جمکران در روزهای ۱۳ تا ۱۵ شعبان المعظم امسال بیش از دو میلیون نفر زائر داشته است که افزایش چشم‌گیری نسبت به سال‌های قبل دارد (کیهان ۸۱/۸/۱).

۱/۸۰۰/۰۰۰ نفر با نام مقدس مهدی علیه السلام:

بر اساس اعلام رسمی سازمان ثبت احوال کشور یک میلیون هشتصد هزار نفر از مردان کشورمان مهدی نام دارند (روزنامه جوان ۸۱/۸/۱) همچنین تعداد زیادی از شیفتگان اهل بیت علیهم السلام نام‌های دیگر آن حضرت مانند حجت و یا نام مقدس مادر بزرگوار ایشان (نرجس «س» یا نرگس «س»). را برای فرزندان خود برگزیده‌اند که در این صورت صدها هزار نفر دیگر به آمار فوق افزوده می‌شوند آری سپیده صبح ظهور هر روز افق تیره زمان غیبت را بیشتر می‌شکافد و نور مقدس حضرت مهدی علیه السلام آشکارتر می‌شود و این همان معنی ظهور صغری با تجلی نور و آثار امام عصر (عج) بر زمان ماست تا انشاءالله با درخشش هر چه

بیشتر آن شیعیان به طور یکپارچه در هر شهر و دیار در اجتماعات کوچک و بزرگ خواستار ظهور مقدس آن حضرت شوند. (۱)

(چند سال پیش سید حسنی را در حال نماز در مسجد

گوهر شاد دیده‌اند)

قبل از آنکه این قضیه جالب و خواندنی را بیان کنم بهتر است کمی سید حسنی را به خوانندگان عزیز معرفی کنیم تا بهتر او را بشناسند و بدانند چه نقشی در ظهور آقا دارند.

سید حسنی: امام صادق علیه السلام در بیان این سید جوان خوش سیما چنین می‌فرماید: از جمله علامات ظهور امام عصر علیه السلام خروج سید حسنی است. او جوانی است خوش صورت که از طرف دیلم و قزوین قیام می‌کند و از اولاد امام حسن مجتبی علیه السلام می‌باشند و چون سید حسنی قیام کند، عده‌ای از مردانش شجاع و قوی دل و مسلح و مکمل طالقان و غیره در اطراف او گرد آیند

و با کمک آنها بر اهل ظلم غلبه کند و از محل قیام خود تا کوفه را از لوٹ و جود ظالمین پاک کند و چون با اصحاب خود وارد کوفه شود به او خبر می‌دهند که حضرت حجت ظهور کرده است و از مدینه به کوفه تشریف آورده‌اند لذا سید حسنی با یاران خود خدمت حضرت حجت مشرف می‌شوند و از حضرت برای امامت خود دلیل و برهان می‌خواهند.

به خدا قسم که آن جوان حضرت را می‌شناسند و می‌داند امام بر حق است ولی مقصودش از خواستن دلیل از حضرت آن است که حقیقت او را بر مردم و اصحاب خود ظاهر کند. در آن هنگام سید حسنی و اصحابش با آن حضرت بیعت خواهند نمود مگر عده کمی که به چهار هزار نفر می‌رسند... و به کیفر اعمالشان می‌رسند. (۱)

و اما قضیه مذکور (سید حسنی)

یکی از علمای اهل معنا از قول استاد خود چنین می‌فرمایند

که این قضیه را برای ایشان نقل کرده‌اند که: روزی در مسجد جامع زنجان پشت سر امام جماعت آن مسجد نماز می‌خواندیم، مردی نزد من آمد و گفت: من یک جفت کفش برای شما خریده‌ام که با هم به مشهد برویم؛ زیرا سید حسنی می‌خواهد خروج کند. من گفتم: چرا به من می‌گویی و نزد امام جماعت برو به و بگو تا او هم به جمعیت بگوید؛ همه با هم برای یاری سید حسنی به مشهد بروند.

گفت آن کسی که به من گفته سید حسنی می‌خواهد خروج کند فرموده است که فقط با تو تماس بگیریم. من به او گفتم: اگر مرا به تو معرفی کرده‌اند من می‌گویم هنوز زود است سید حسنی خروج نمی‌کند و او رفت.

عالم مذکور چنین می‌گوید:

من بعد از فوت مرحوم استادم آن مرد را دیدم از او پرسیدم: بعد از آنکه از مرحوم استادم جدا شدم چه کردی؟ گفت من به طرف مشهد حرکت کردم وقتی به مشهد رسیدم یکسره به مسجد گوه‌رشاد رفتم و خیلی می‌خواستم بفهمم که سید حسنی کیست

و کجاست؟ خلاصه با توسلات پی در پی متوجه شدم که سید حسنی الان توی ایوان مسجد گوهرشاد نماز می‌خواند به آنجا رفته دیدم سیدی مشغول نماز است صبر کردم تا نماز تمام شد سپس رو به من کرد و همان گونه که مرحوم استادتان گفته بودند گفت هنوز زود است. (۱)

فرستادن عده‌ای به ایران توسط یهود برای ترور سید حسنی طبق آخرین اخبار یهودیان صهیونیست گروه‌های تروریستی را ملزم به ترور سید حسنی (با داشتن علائمی که در اختیار آنهاست) تشکیل داده و به ایران فرستاده‌اند و قرارشان این است که با ترور سید حسنی جلوی ظهور صغری را بگیرند و اعلام کردند که ظهور حضرت مهدی در اطراف سال ۲۰۰۰ میلادی اجتناب‌ناپذیر است و ما باید جلوی او را بگیریم. (۲)

۱- پرواز روح ص ۴۸.

۲- آیا ظهور نزدیک است؟ ص ۱۹۲.

(آیه الله بهلول سفیانی را در سوریه دیده است)

شاید در ذهن خوانندگان عزیز این فکر خطور کند که برآستی سفیانی کیست و چه نقشی دارد؟ پس بر خود لازم دیدیم که قبل از بیان قضیه آیه الله بهلول سفیانی این عنصر شیطانی را به طور کامل معرفی کنیم.

شیخ صدوق در کمال الدین خود از قول حضرت صادق در مورد سفیانی چنین آورده است. پسر هند جگرخوار (سفیانی) از بیابان یابس بیرون می آید او مردی متوسط القامه، صورتش وحشتناک و سرش ضخیم است و رویش آبله دارد اگر او را بینی خیال می کنی یک چشمی است او از اولاد ابوسفیان می باشد (سفیانی کسی است که قبل از ظهور حضرت مهدی با لشکری برای غارتگری خروج می کند).

از حدیقه بن البیان روایت شد که گفت پیغمبر ﷺ از آشوبی که میان مردم شرق و غرب پدید می آید سخن به میان آورد و فرمود در آخر الزمان: ^(۱) در اثنائی که آنها سرگرم کشمکش

همانطور که می دانید تمایل غربیها علی الخصوص آمریکا برای جنگ با سرزمینهای

هستند سفیانی از یابس بر آنها حمله می‌برد تا آن‌که وارد دمشق می‌شود آنگاه دو لشکر فراهم نموده یکی از به شرق می‌فرستد و دیگری را به مدینه چون لشکر اخیر به زمین بابل که جزو سرزمین لعنت شده یعنی بغداد است می‌رساند پیش از سه هزار نفر را به قتل می‌رسانند و افزون از صد زن را مورد تجاوز قرار می‌دهند و سیصد جوان رشید از بنی عباس را می‌کشند، سپس مانند سیل به کوفه می‌ریزند و حوالی آن را ویران می‌سازند سپس از آنجا بیرون آمده روی به شام می‌آورند در آن وقت لشکری با پرچم هدایت بیرون آمده لشکر سفیانی را دنبال می‌کنند تا به آنها می‌رسند و تمام آنها را به قتل می‌رسانند. به طوری که یک نفر از آنها را باقی نمی‌گذارند که خبری از آنها ببرد و اسیران و آنچه به غارت برده‌اند از آنها می‌گیرند. سپس لشکر دوم سفیانی به مدینه آمده سه شبانه روز دست به تاراج می‌زنند، آنگاه روی به مکه می‌آورند وقتی به سرزمین بیداء (زمینی واقع در بین مکه و مدینه)

رسیدند خداوند جبرئیل را می فرستد و می فرماید برو آنها را نابود گردان! جبرئیل هم با پای خود ضربتی به زمین می زند و با آن ضربت خداوند آنها را در زمین فرو می برد و جز دو نفر از قبیله جهینه کسی از آنها باقی نمی ماند. (۱)

آری سفیانی قبل از ظهور امام زمان علیه السلام برای به چنگ آوردن حکومت خروج می کند و دست به غارتگری و قتل می زند و مدتی کمی نیز حکومت می کند تا آن که ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و آله فرا می رسد.

خروج سفیانی حتمی است: عبدالملک بن اعین روایت می کند که گفت: در خدمت حضرت باقر علیه السلام بودم که از قائم سخن به میان آمده من گفتم: امیدوارم.

که بزودی قائم علیه السلام ظهور کند و سفیانی هم نباشد
حضرت فرمود:

نه به خدا قسم! آمدن سفیانی حتمی است.

اخبار کاهنان از خروج سفیانی و ظهور حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) در کتاب مشارق الانوار از کعب بن حرث نقل می‌کند که «ذاجدان» شاه برای استفسار از موضوعی که در آن شک داشت به طلب سَطیح کاهن^(۱) فرستاد، چون سَطیح آمد خواست او را امتحان کند. پس یک دینار در کفش خود پنهان کرد آنگاه بوی اجازه داد که داخل شود و چون وارد شد شاه گفت ای سَطیح برای تو چه پنهان کرده‌ام؟ سَطیح گفت: به خانه خدا و صخره صماء و شب ظلمانی و صبح نورانی... قسم یاد می‌کنم که میان کفش پای خود یک دینار پنهان کرده‌ای! شاه پرسید این را از کجا دانستی؟ گفت از یک نفر جن که مانند برادر همه جا با من است. شاه گفت: ای سَطیح از آنچه در روزگاران پدید می‌آید مرا مطلع گردان. گفت ای شاه هنگامیکه نیکان از میان بروند و اشرار به جاه و مقام برسند و مقدرات الهی را تکذیب نمایند و اموال را به سختی حمل کنند، و دیدگان از گناه کاران بترسد و قطع رحم

۱- سیح غسانی از اکهنان عرب و از مردم غسان اردن است که نصرانی مذهب و عرب زبان بوده است.

نمایند و غذاهائی که در عالم اسلام حرام، ولی نزد خورندگان شیرین و لذیذ است پیدا شود، و اختلاف نظر پدید آید و عهد و پیمانها نقض گردد و احترام به یکدیگر کم شود آنوقت ستاره دنباله داریکه^(۱) عرب را پریشان کند طلوع نماید.

در آن هنگام باران نبارد و رودها خشک شود (تقریباً از سال ۱۳۷۷ یعنی سالی که چندین روز آن ستاره دنباله دار در آسمان هویدا بود خشکسالی عجیبی شروع شد و تقریباً تا سال ۱۳۸۰ در بیشتر جاها ادامه داشت) و اوضاع روزگار دگرگون گردد و نرخها در همه جای جهان بالا رود (توجه کنید که وضع اقتصادی بیشتر کشورهای صاحب قدرت رو به تزلزل گذاشته است با کمی دقت و مطالعه روزنامه‌ها و مجلات گوناگون با بنده هم عقیده خواهید شد) در آن موقع طایفه بربر با پرچمهای زرد سوار بر اسبان ترکی در مصر فرود آیند. آنگاه مردی از اولاد صخر (سفیانی) خروج کند و پرچمهای سیاه را تبدیل به سرخ نمایند و محرمات را مباح

این پدیده اتفاق افتاده است یکی در سال ۱۹۱۴ و دیگری دو سه سال قبل یعنی تقریباً سال ۱۳۷۷ که ستاره دنباله داری تقریباً به مدت یکی دو ماه در آسمان پیدا بود.

گرداند و زنان را در مقام شکنجه به پستانها آویزان نماید و کوفه را غارت کند.

راه‌ها از زنان مکشفه سفید ساق که آنها را همچون چهارپایان عبور می‌دهند پر شود و... در آن موقع مهدی علیه السلام فرزند پیغمبر ظاهر گردد... و امر پوشیده آشکار گردد و با علائم خود موافق باشد. (۱)

دیدن سفیانی در سوریه توسط آیه الله بهلول

سؤال: آقای بهلول! لطفا جریان سفر شما به سوریه و دیدن عثمان بن عنبسه سفیانی (لعنة الله عليه) که در روایات آمده است و جزو علامات حتمیه ظهور امام زمان علیه السلام است را بیان فرمایید.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم. من برای زیارت حضرت زینب (س) و حضرت رقیه (س) به سوریه رفته بودم و در حدود ۲۰ روز در آنجا بودم.

حافظ اسد (رئیس جمهور سوریه) مرا دعوت نمود و به

خانه خود برد و از من پذیرایی نمود از آنجا مرا به ارتش سوریه برد و گفت که برای ارتش سوریه صحبت کنم من هم به منبر رفتم و برای آنان سخنرانی کردم.

دیدار و صحبت کردن بهلول با سفیانی

وقتی از منبر پائین آمدم یک منصب داری داخل شد. در آن وقت عده‌ای گفتند جاء سفیانی یعنی سفیانی آمد. دیدم او یک سرتیپ ارتش سوریه است من با او شروع به صحبت کردن شدم و اسم کوچک او را پرسیدم. گفت اسم عثمان بن عنبسه است. (این نام سفیانی در روایات معصومین علیهم السلام نیز آمده است) دیدم خودش است و او از لحاظ قیافه‌ای همان خصوصیات را داشت که در روایات از سفیانی آمده است. در صحبت‌های خود با او متوجه شدم که وی به فکر این است که رئیس جمهور سوریه بشود. و این موضوع را از اینجا فهمیدم که وقتی من پیش او از حافظ اسد تعریف کردم و گفتم که حافظ اسد خیلی نسبت به من مهربانی کرد او گفت حافظ اسد به شما هیچ گونه لطفی نکرده است. اگر من

جای حافظ اسد بودم شما را نخست وزیر خود می‌کردم و من از این حرفش فهمیدم که او میل دارد جای حافظ اسد بنشیند؟! (۱)

فرد دیگری غیر سفیانی نیز در سوریه است

استاد محمد حسن عابدی در کتاب آیا ظهور نزدیک است؟ (کارگروهی عده‌ای از دوستان و عاشقان حقیقی امام عصر (عج) مطالب جالبی را در مورد نزدیکی ظهور و علائم آن بیان نموده‌اند توجه فرمایید:

اسمی از سران سوریه غیر از عثمان بن عنبسه (سفیانی) در روایات است که هم اکنون آن شخص وجود دارد و جزء یکی از رؤسای بزرگ سوریه به شمار می‌رود (۲) و البته این خبر قریب الوقوع بودن خروج سفیانی را نشان می‌دهد. (۳)

۱- آیا ظهور نزدیک است؟ ص ۱۹۳.

۲- بیان الائم ج دوم.

۳- آیا ظهور نزدیک است؟ ص ۱۸۴.

اخبار منابع مسیحیها بر حکومت آسمانی بعد از سال ۲۰۰۰ میلادی
 اخباری از منابع مسیحیها که دلالت می‌کند بر حکومت
 آسمانی بعد از سال ۲۰۰۰ میلادی و همین امر باعث جنب و
 جوشهای عجیبی در بین مسیحیت گشته است.

**قراردادن دوربینهای مخفی در بیت المقدس و پایگاههای مخفی
 یهودیان**

قراردادن دوربینهای مخفی در بیت المقدس، برای تصویر
 برداری از مسائل آسمانی مثل آمدن حضرت مسیح علیه السلام البته
 یهودیها پایگاههای مخفی بنا کرده‌اند از جمله بنای عبادتگاه در
 زیر بیت المقدس.

پیدایش قوم یاجوج و ماجوج از قبل از علائم ظهور

سوال کننده‌ای از مؤلف محترم و بزرگوار کتاب انوار صاحب
 الزمان (عج) سوال کرده است آیا اینکه یاجوج و ماجوج دو قوم
 وحشی هستند که قبل از ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام به میان

مردم می آیند درست است؟ چون از تلویزیون شنیده شده گروهی بدنهای پر از مو و پاها و قد بلند در شهری از شهرهای چین دیده شده‌اند؟

جواب از کتاب (انوار صاحب الزمان علیه السلام): حدوداً بیست و پنج سال پیش دربارهٔ محل سد ذوالقرنین تحقیقی داشتیم. با تحقیقات انجام شده به این نتیجه رسیدیم که دیوار چین سد ذوالقرنین است و طبق آیه قرآن یا جوج و مأ جوج پشت این دیوار یا این سد واقع شده‌اند. در همان زمانی که تحقیق می کردیم متوجه شدیم دو قبیله به نام یا کوک و مأ کوک آن طرف دیوار چین در داخل دیوار چین هستند. اینها لازم نیست غیر عادی باشند بلکه آدمهای بی فرهنگ و مفسد فی الارض هستند. خود آیه شریفه می فرماید که اینها روی زمین فساد می کنند. شبانه خانه‌های مردم را خالی و دزدی می کنند بدین ترتیب حتی لازم نیست قدشان خیلی بلند یا غیر طبیعی باشد اگر هم غیر طبیعی باشند مسأله‌ای نیست و یا کوک و مأ کوک به زبان چینی است، یا قرآن آن را عوض کرده و یا جوج و مأ جوج اسمشان را گذاشته (چون عرب معمولاً تصرفی در الفاظ می کند) یا اینکه آنها تصرف کرده‌اند و یا جوج مأ جوج را

تبدیل به یا کوک و مأ کوک کرده‌اند، به هر حال اینها تا زمان ظهور هستند. (۱)

شیوع بیماری‌های بواسیر، سکته و جذام از علائم ظهور

علی بن بابوره بسند خود را از موسی بن ابراهیم از امام موسی کاظم علیه السلام از پدرش حضرت صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت کرده که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: پیدایش بواسیر و مرگ ناگهانی (سکته) و مرض جذام از علائم نزدیکی قیامت ^(۲) البته در روایات متعدد از قیامت به زمان ظهور نیز تعبیر شده است - شیوع این بیماری‌ها در عصر حاضر بهترین گواه بر این خبر عینی پیامبر صلی الله علیه و آله

پرتاب شهاب سنگها با مسئله ظهور ارتباط تنگاتنگی دارد

آسمان ایران در شعبان ۱۴۲۳ هـ ق شهاب باران شد

در ایامی که مصادف بود با برگزاری جشن‌های نیمه شعبان از

تاریخ ۹ شعبان امسال ۱۳۸۱ به مدت حداقل یک هفته آسمان

۱- انوار صاحب الزمان (عج) ص ۱۸۲.

۲- بحار ج ۱۳ ص ۱۰۵۳. می‌باشد.

کشورمان شهاب باران شد به گونه‌ای که این منتظره با چشم غیر مسلح نیز قابل رؤیت بود.

به نوشته روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۲۵ مهر ۸۱ این مطلب قبلاً از طرف انجمن نجوم آماتوری پیش بینی شده بود و کانون آن در صورت فلکی جبار یا شکارچی بوده است. در مورد این که آیا این گونه وقایع می‌تواند با مسئله ظهور امام عصر (عج) و مسائل مربوط به آن حضرت ارتباط داشته باشد - خصوصاً با توجه به آنکه این شهاب باران در ایام نیمه شعبان واقع شده می‌توان به این آیه از قرآن استناد نمود که می‌فرماید: و انا کنا نعد منها مقاعد للسمع فمن یستمع الان یجد لله شهاباً
رصد (سوره جن آیه ۹)

یعین شیاطین می‌گویند: ما قبلاً به آسمان می‌رفتیم تا اسرار غیب را استماع کنیم ولی الان اگر کسی بخواهند آن اسرار را استماع نماید تیر شهاب آتشبار (شهاب سنگ) در انتظار اوست.
آری! پس از میلاد رسول گرامی اسلام آسمان مکه شهاب باران شد و شیاطین از استراق سمع و جاسوسی و کسب خبر

درباره ظهور منجی ممنوع شدند و این برنامه هم چنان ادامه دارد و هر گاه شیطانی هوس کند که جاسوسی نماید با شهاب سنگ پذیرایی خواهد شد^(۱) و لذا این مسئله شهاب باران آن همه به مدت یک هفته نوید این را می‌دهد که خبرهایی در مورد مسئله ظهور و اسرار آن بوده که مطمئناً شیاطین قصد جاسوسی و اطلاع از موعد ظهور را داشته‌اند (همانطور که می‌دانید ظهور امام زمان علیه السلام یعنی پایان عمر شیطان و دانستن زمان ظهور برای شیاطین امری حیاتی است تا با آن به مقابله پردازند) که با بارانی از شهاب سنگ‌های آتشین پذیرایی شده‌اند والله اعلم.

نهضت امام خمینی علیه السلام یکی دیگر از علائم ظهور است

حرکت امام مهدی (عج) بدون زمینه سازی نمی‌شود منتظرین واقعی برای قیام تمهیداتی را بر عهده می‌گیرند در حدیثی به سرزمین و جغرافیای زمینه سازان اشاره بلکه تصریح شده است یخرج ناس من المشرقین فیوطن المهدی یعنی

سلطان^(۱): از مشرق زمین مردانی خروج می‌کنند و زمینه ساز حاکمیت مهدی موعود (عج) می‌گردند نویسنده کتاب عصر ظهور جناب آقای علی کورانی (دامت برکاته) با توجه به روایاتی (بحار ج ۶ ص ۲۱۳ و ۲۱۶) این موئن را بر نهضت امام خمینی و از شهر قم تطبیق داده‌اند و شواهدی برای مسأله ارائه کرده‌اند در این روایات بر قیام مردمی از قم و نه از اهل قم، زیرا امام خمینی علیه السلام از اهالی خمینی بوده است قیام را از قم شروع نموده‌اند و اینکه قم پایگاهی برای فعل و دانش گردیده و از این شهر دانش به شرق و غرب جهان انتشار می‌یابد. (۲)

چهار حادثه قبل از ظهور که سه تای آن به وقوع پیوسته

آقا امام محمد باقر علیه السلام در مورد علائم قبل از ظهور چنین فرموده‌اند که: چهار حادثه پیش از قائم خواهد بود که علامت ظهور اوست امام رضا علیه السلام در مورد این روایات می‌فرمایند سه

۱- بحار ج ۵۲ ص ۷۸.

۲- عصر ظهور.

حادثه به وقوع پیوسته و یک حادثه دیگر باقی مانده است عرض کردیم فدایت شویم حوادث که گذشته کدام است؟ فرمود اول ماه رجب بود که صاحب خراسان در آن خلع شد دوم ماه رجبی بود که بر پسر زبیده شوریدند سوم ماه رجبی بود که محمد بن ابراهیم در آن ماه از کوفه قیام کرد عرض کردیم آیا رجب چهارم هم با این سه ماه می پیوندد فرمود: جدم امام محمد باقر علیه السلام این طور فرموده است (۱)

طراحی یک سیستم ویرسی توسط یهودی‌ها برای جلوگیری از

ظهور امام زمان علیه السلام

یهودی‌ها صهیونیست یکی سیستم ویروسی بسیار مخرب را در کامپیوترها طراحی کرده‌اند که در شب اول سال ۲۰۰۰ میلادی (زیرا آنان معتقدند که ظهور امام زمان علیه السلام در اطراف سال ۲۰۰۰ است) با در هم ریختن معادلات کامپیوتری و جنگ افزارهای هسته‌ای بسیاری از کشورهای را با نابودی روبرو

می‌کرد ولی جالب این است که روز تاسوعا و یروس دیگری در تمام کامپوترهای دنیا شروع به فعالیت کرد که آن سیستم را از کار انداخت و هنوز هم که هنوز است آنها مشغول کار کردن هستند ولی نتوانسته‌اند آن سیستم را دوباره فعال کنند.^(۱)

بسیاری از علامات که راجع به ظهور است تا کنون واقع شده است رضی‌الدین حلی در کتاب العدد القویه می‌نویسد: بسیاری از علامات که راجع به ظهور مهدی علیه السلام است تا کنون واقع شده مانند: خراب شدن دیوار مسجد کوفه، کشته شدن حاکم مصر بدست مردم آنجا، انقراض دولت بنی عباس بدست (هلاکوخان مغلول).. کشیدن پل بر روی دجله نزدیک محله کرخ بغداد. تمام اینها در اندک مدتی روی داد، هم اکنون نهر فرات شکاف برداشته و انشاءالله به همین زودی آب به کوچه‌های کوفه می‌رسد (که این خود یکی از علائم ظهور می‌باشد).

تغییر جنسیت از علائم ظهور

در کتاب غیبت نعمانی یکی از علائم پیش از ظهور قائم (عج) را یبوح ذکر کرده است در کتاب مذکور از بزنی روایت کرده است که گفت: از حضرت رضا علیه السلام شنیدم می فرمودند: پیش از ظهور قائم یبوح (تغییر جنسیت) خواهد بود.

چنانچه خوانندگان اطلاع دارند در سنوات اخیر در سراسر جهان و از جمله در کشور ما ایران عده‌ای از زنان و مردان با یک عمل جراحی تغییر جنسیت داده‌اند، یعنی مرد زن و زن مرد شده و بعد از مدتی زن و شوهر بارسوائی از هم جدا شده‌اند (چنانچه در این زمینه اطلاعات کمی دارید به روزنامه‌های کثیرالانتشار مراجعه کنید متوجه خواهید شد). معروفترین تغییر جنسیت در جهان مربوط به آن خواننده بیچاره آمریکایی می‌شود که با این کار بیش از پیش به نکبت و بدبختی او اضافه شد.

ستاره دنباله دار

از صدو پنجا و چند علامت صدو بیست تای آن محقق شده
است

ستاره دنباله دار یکی از علائم ده گانه ظهور امام زمان علیه السلام
می باشد که اگر اشتباه نکنم در خرداد سال ۷۸ یا ۱۳۷۷ بود که این
نشانه پدید آمد و دوستان و عاشقان مهدی فاطمه - (س) را
مسرور ساخت حجة الاسلام سید و هابضیائی در این باره چنین
می گویند: از صدو پنجاه و چند علامت که برای ظهور حضرت
گفته اند قریب صد و بیست تای آن محقق شده و کمتر آن باقی
مانده و آمدن حضرت دل باور می خواهد. ظاهر شدن ستاره دنباله
دار ما را نوید می دهد. (۱)

بمباران های هوایی از علائم آخرالزمان

در کتاب کنزالفوائد از معلی بن خنیس از حضرت صادق علیه السلام
و آن حضرت از جدش امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می کند که فرمود:

در سه موقع منتظر فرج و ظهور مهدی علیه السلام باشید عرض شد آن سه مورد چیست؟ فرمود: کشمکش اهل شام با یکدیگر، آمدن پرچمهای سیاه از خراسان، و وحشتی در ماه رمضان، عرض کردند: وحشت از چیست؟ فرمود: این آیه شریفه را شنیده‌اید: ان نشأ نزل علیهم من السماء آیه...

این آیت و علامت آسمانی به قدری وحشت آور است که دختران دوشیزه سراسیمه از پرده بیرون می‌دوند و هر کس خواب است از خواب می‌پرد و آنها که بیدارند به خواب می‌روند.^(۱) در این روایات فوق همانطور که از لحاظ خوانندگان گذشت از عذاب دردناک آسمانی سخن رفته است، در عصر ما که این عذاب با بمباران هوایی کاملاً مطابقت دارد، همچون بمباران هوایی افغانستان توسط آمریکا و احتمال حمله هوایی به دیگر کشورهای خاورمیانه که این خود یکی از علائم ظهور مظلوم آل محمد صلی الله علیه و آله می‌باشد.

دوازدهمین نفری که به جزیره حضراء راه یابد (از ملل جهان)
 بازحمت فراوان و مرارت طاقت فرسایی آن وقت ظهور فرا
 می‌رسد.

جناب آقای تقوی باشتوی این قضیه را نقل فرمودند و ما هم
 آن را برای شما در این کتاب نقل می‌نمائیم.
 به یک چنین مضمونی (که در بالا ذکر شد) در یکی از کتابهای
 علائم ظهور، خبری آمده است که جزیره‌ای است در کنار
 اقیانوس هند، منسوب به حضرت مهدی علیه السلام در حدود دوازده نفر
 از ملل جهان با زحمت فراوان و مرارت و طاقت فرسایی به آن
 جزیره راه پیدا می‌کنند که مورد تکذیب همگان قرار می‌گیرند نفر
 دوازدهمین که مطالبی را خبر میدهد آن وقت وقت ظهور
 باهرالنور حضرت مهدی علیه السلام می‌شود. نگارنده می‌گوید من هنوز به
 این خبر برنخوردم ولی می‌دانم که آقای تقوی باشتوی بی‌مدرک
 مبی را نمی‌گویند چون ایشان شخصی با تقوی و اهل مالعه و
 تحقیق می‌باشند^(۱) (البته تا کنون و طبق اخبار رسیده چند نفر از

۱- گزارشاتی عجیب از محل زندگی فرزندان امام زمان علیه السلام.

سیاحان خارجی به آنجا راه پیدا کرده‌اند.^(۱)

رهبری مقام معظم رهبری از علائم قبل از ظهور امام زمان علیه السلام

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای سید محمد مهدی

مجددالاسلام (میهن خواه) دامت برکاته به نکته جالب و قابل توجه

در قبلا علائم قبل از ظهور امام زمان علیه السلام اشاره نموده‌اند ایشان

چنین می‌فرمایند که:

در قبال علائم قبل از ظهور می‌توان اشاره به رهبری مقام

معظم رهبری نمود و جای آن دارد که اشاره به سخن بزرگی از

بزرگان حق و حقیقت کنیم که در ماه مبارک رمضان طی تماسی که

با ایشان داشتم فرمودند ایشان (مقام معظم رهبری) را فردی

صالح و منتظر واقعی امام عصر علیه السلام دانستند و در یک بیان (که عین

آن کلام را نمی‌توان عنوان کرد) به مظلومیت ایشان اشاره مستقیم

نمودند، نکته قابل توجه دیگر این است که این سید جلیل القدر

خراسانی وظیفه بسیار مهم و حساس در قبال ظهور بر عهده دارند

که این وظیفه از اسرار است و قابل ذکر نیست و جمیع کسانی که مخلصانه به امام عصر علیه السلام عشق می‌ورزند نسبت به ایشان ارادت خاصی دارند.

علائم آخر الزمان که به وقوع پیوسته

مرحوم کلینی در روضه کافی ارحمران بن عین (از اصحاب امام صادق علیه السلام) روایت می‌کند که از علائم آخر الزمان و نزدیک به ظهور چنین است که:

هر گاه دیدی که حق از میان رفت و اهل حق رفتند و دیدی که ظلم همه جا را فرا گرفت، دست در قرآن بردند و چیزهایی که در آن نبوده داخل آن نمودند آنگاه از روی هوای نفس آنرا توجیه کردند (شاید منظور قرآن سلمان رشتی لعین و امثال آن باشد) آنگاه که دیدی فساد در همه جا آشکار است و کسی از آن جلوگیری نمی‌کند،... مردها به مردها و زنان به زنان اکتفا نموده‌اند،... و دیدی که پیوند خویشاوندی را بریده‌اند، دیدی که بعضی به عمل فاسد خود فخر می‌کنند و تمجید هم می‌شوند، هر

گاه دیدی که امر به معروف بی ارزش گشته و دیدی که عمل فساد از آنچه خدا نمی‌پسندد، نیرومند و پسندیده‌اند، و دیدی که اهل اخبار و حدیث (علمای دین) موهون شده‌اند و دوستداران آنها از نظر افتاده‌اند و دیدی که راه هر گونه عمل خیر بسته شده و دیدی که زنان دست و پای خود را حنا می‌گیرند و شانه به موی خود می‌زنند همانطور که زن برای جلب نظر شوهرش موی خود را شانه می‌کند هر گاه دیدی که به مردها پول میدهند که با آنها یا زنان آنان عمل نامشروع کنند! و دیدی که مالدار از شخص با ایمان عزیزتر است، دیدی که رباخواری آشکار است و رباخوار مورد ملامت قرار نمی‌گیرد... آنگاه که دیدی که حرام حلال گشته و دیدی که امور دینی با رأی شخصی عمل می‌شود و قرآن و احکام آن تعطیل می‌گردد و دیدی که مردم چنان در ارتکاب معاصی جری شده‌اند که منتظر رسیدن شب نیستند (بلکه همه کارها را علناً در روز انجام می‌دهند)

هر گاه دیدی که مردم با محارم خود نزدیکی می‌نمایند و به

آنها اکتفا می‌کنند^(۱).

هر گاه دیدی که قسم دروغ بخدا زیاد می‌شود، دیدی که قمار بازی آشکار شد، دیدی که علناً شراب فروشی می‌کند و منعی در کار نیست... هر گاه دیدی که شنیدن تلاوت قرآن بر مردم گران و استماع سخنان باطل برای مردم آسان است! و دیدی که همسایه از ترس زبان همسایه‌اش به وی احترام می‌گذارد؟... و دیدی که مساجد طلاکاری شده و دیدی راستگوترین مردم، دروغگو می‌باشند و دیدی که شر و فساد ظاهر گشته و سعی در سخن چینی می‌شود. هر گاه دیدی که عمل شنیع زنا شایع شد، هر گاه دیدی که نماز سبک شمرده می‌شود و دیدی که مرده را از قبر بیرون می‌آورند و اذیت می‌کنند و کفنش را می‌فروشند و دیدی که نمازگزار برای اینکه مردم او را ببینند نماز می‌گذارد و دیدی که فقیه به منظور دنیا و ریاست و غیر دین تحصیل کند... و هر گاه دیدی که آلات موسیقی در مکه و مدینه آشکار است)

۱- متأسفانه این مسئله هم امروز دارد شیوع می‌یابد و گاه و بیگاه دستگاه اخباری از داخله و خارجه راجع به آن در جرائد و مجلات می‌خوانیم.

امروزه صدای موسیقی در مکه و مدینه از همه طرف شنیده می‌شود به طوریکه موجب شرمساری است)...هرگاه دیدی که از فقیر دستگیری می‌کنند که به او بخندند و برای غیر خدا بر او ترحم می‌آورند (مانند گاردن پارتیها و کنسرت هایی که به منظور کمک به بینوایان تشکیل می‌دهند) و دیدی که علائم در آسمان پدید می‌آید ولی هیچکس نمی‌ترسد (این آیات و علائم هواپیماهای مختلف نیست، که رفته‌اند برای عامه مردم یک امر عادی محسوب خواهد شد؟ یا سفینه‌های فضائی و موشکهای قاره پیما نیست؟ البته ممکن است آیات واقعی و ستاره‌های دنباله دار و اشکال مخصوص از کرات آسمانی باشند که دیده و در آینده هم خواهیم دید و برای همه عادی خواهد شد) هرگاه دیدی که اگر یک روز بر مردی بگذرد و در آن روز گناه بزرگی مانند زنا و کم فروشی و غل و غش در معامله یا شرابخوری نکرده باشد، اندوهگین و محزون است آن روز را مفت از دست داد و عمرش ضایع شد! (و بسیاری از علائم دیگر که محقق شد و در اینجا مجال گفتن آن نیست).

تهران زلزله می‌آید و ظهور نزدیک است

جناب حضرت حجة الاسلام والمسلمین استاد عزیز و بزرگوار حاج آقا شیخ علی میرخلف زاده (دام عزه) که صاحب تألیفات زیادی در زمینه اهل بیت علیهم‌السلام هستند این قضیه را برای بنده بیان نمودند، ایشان چنین می‌فرمودند که:

قبل از آن که به قم بیایم در تهران اقامت داشتم روزی داشتیم به طرف حرم حضرت سید عبدالعظیم می‌رفتیم بناگاه سید بزرگواری را دیدیم ایشان خطاب به من فرمودند: تهران نمان و به قم برو و بدان که ظهور نزدیک است و به زودی تهران زلزله عظیم خواهد آمد (البته این مورد در علائم ظهور نیز تصریح شده است) و نشان آن هم این است که قله دماوند که سالهای سال خاموش بوده مشغول به فعالیت شده و اطرافش نشان از فعالیت درونی آن قله دارد.

خلاصه قضیه گذشت و ما بعد از چندی به دماوند رفتیم و دیدیم براستی اطرافش ترک برداشته و نشانه‌هایی از یک آتش فشان را دارد و دیگر برایمان شکی باقی نماند که پیش بینی‌های

آن بزرگوار به وقوع خواهد پیوست.

تا اینکه یکی از مؤثقیین در عالم رؤیا دید که حضرت زهرا (س) دارد با ناله نسبت به مردم تهران نفرین می‌کند و می‌گوید: فساد زیادی مرتکب می‌شوند در این هنگام آقا امام حسین علیه السلام خطاب به مادرش می‌فرماید: مادرم بر مردم تهران نفرین نکن زیرا برای من عزاداری می‌کنند.

و بالاخره بعد از این قضیه بود که آن زلزله عظیمی که قرار بود در تهران بیاید متوجه شمال کشور شد و انسانهای زیادی در آن زلزله جان خود را از دست دادند.

انشاءالله پیش بینی آن بزرگوار در مورد نزدیکی ظهور نیز بوقوع پیوندد.

و اما سخن آخر:

بنده در این کتاب سعی کردم تمام مطالبی را که بیان می‌کنم با مدرک و سند باشد یا اینکه به وثوق آن اطمینان داشته باشم. ممکن است خیلی‌ها با مطالعه این کتاب بنده را مورد تهمت و عده‌ای نیز این عمل را تشویق نمایند بنابر این از عزیزانی که با مطالعه این کتاب سؤالاتی در ذهنشان تداعی کرده تقاضا می‌کنم تحقیق و مطالعه کافی به جواب سؤال خود یا ابهامات موجود در مورد این کتاب رسند و فقط با دیدن نام کتاب در مورد آن قضاوت نکنند یا اگر بنده حقیر را قابل می‌دانند هر گونه پیشنهاد، انتقاد و یا سؤالی در این مورد مسائل مطرح شده در این کتاب دارند را به آدرس شیراز ص. پ ۷۱۵۵۵/۱۷۱۷ با ما در میان بگذارند.

قبلا از مساعدت و همکاری شما عزیزان کمال تشکر را

دارم.

با تشکر و التماس دعای خیر.

انتشارات محمد و آل محمد عرضه کنند کتابهای ذیل می‌باشد:

(سالم جعفری)	امام زمان (عج) و شهداء
(سالم جعفری)	اشکهای امام زمان (عج)
کرامات العلویة	کرامات الحسینیة ج ۱ و ج ۲
کرامات الرضویة	کرامات الفاطمیة
کرامات محمد و آل محمد (ص)	کرامات العباسیة
داستانهایی از سوره حمد	پندهای داستانی
داستانهایی از نماز جماعت	داستانهایی از نماز اول وقت
داستانهایی از توبه کننده گان	داستانهایی از مردان خدا
داستانهایی از خوش اخلاقی	داستانهایی از اذکار و ختم
داستانهایی از ثواب و عقاب نماز	داستانهایی از چشم چرانی و نگاه
داستانهایی از فقرایی که عالم شدند	داستانهایی از فضیلت علم و دانش
داستانهایی از شیفتگان علم	داستانهایی از فضائل علماء
داستانهای عبرت آموز	داستانهایی از آثار و برکات علماء
داستانهایی از رفتار و اخلاق علماء	داستانهایی از حق الناس
داستانهایی برای منبرها	داستانهایی از مقامات مردان خدا
از این داستانها عبرت بگیرید	داستانهایی از پوشش و حجاب
داستانهایی از تقوی و پرهیز از گناه	داستانهایی از زهد و ورع
داستانهایی از تربیت فرزند	داستانهایی از همسر داری
داستانهایی از گفتگو با مردگان	داستانهایی از خزینة الجواهر
داستانهایی از سوره بقره	داستانهایی از شیخ

- داستانهایی از توصل بخدا
ده مجلس
چهل آیه و حدیث و چهل داستان
- داستانهایی از ثمرات الحیوة
چهل مجلس
کرامات مهدی آل محمد (ص)
روضه الشهداء روضه محمد و آل محمد (ص)
سوز و ساز (مجموعه اشعار درباره امام زمان (عج))
باقیات الصالحات (حاشیه مفاتیح الجنان)
تحفة المجالس (معجزات محمد و آل محمد (ص)) (جلد ۱۴)
داستانهایی از فضیلت زیارت امام حسین (ع)
داستانهایی از فضیلت تربت امام حسین (ع)
دعای توصل و روضه محمد و آل محمد (ص)
داستانهایی از گریه بر امام حسین (ع)
داستانهایی از صلوات بر محمد و آل محمد (ص)

علاقه‌مندان می‌توانند به کتاب فروشیهای معتبر مراجعه کرده و یا با شماره تلفن‌های ۰۹۱۱۲۵۳۳۸۶۷ و ۰۷۷۳۵۶۹۴ - ۰۲۵۱ تماس حاصل نموده و در صورت نیاز آدرس صحیح و دقیق و خوانای خود و فیش بانکی را به صندوق پستی ۶۱۳۳-۳۷۱۵۵ ارسال نمایند.